



## Unconventional Sexual Orientations from the Islamic Perspectives to International Human Rights Practices and State laws

Maryam Ahmadinejad <sup>1</sup> | Elaheh Marandi <sup>2</sup>

1. Corresponding Author, Assistant Professor, Department of Family Therapy, Women Research Center, Alzahra University. Tehran. Iran.

Email: [m.ahmadinejad@alzahra.ac.ir](mailto:m.ahmadinejad@alzahra.ac.ir)

2. Assistant Professor of the Department of Law, Faculty of Social Sciences and Economics, Alzahra University, Tehran, Iran. Email: [e.marandi@alzahra.ac.ir](mailto:e.marandi@alzahra.ac.ir)

### Article Info

#### Article type:

Research Article

#### Article history:

Received in revised form

Accepted

Published

**Keywords:** *Islam, Human rights, Homosexuality, Gender equality, Family*

### ABSTRACT

Despite the accepted fact that the ideal family, as the foundation and main cell of society, has a direct impact on the progress of society, today we are facing serious threats to the foundation of the family due to the gap created between the performance of some societies and moral-religious traditions. One of these threats is the unconventional and unnatural sexual tendencies of people towards the same sex, which has been severely destigmatized in recent years. Despite the strong and emphatic prohibition of religions, especially Islam, against unconventional sexual tendencies, in the international legal arena, we observe that many international authorities in their jurisprudence do not show discrimination and inequality towards civil institutions that are formed based on these unconventional tendencies, equating them with the sacred institution of the family. They have been affected by this unnatural view to such an extent that, in addition to removing historical punishments for this immoral practice, they have criminalized opposition to homosexuality as hatred. This has progressed to the point that some countries have even recognized "marriage," which is historically and naturally specific to relationships between men and women, for relationships based on unnatural sexual tendencies. This is despite the fact that unconventional and unnatural sexual tendencies, or in other words, homosexuality, have been regarded as ugly, disgusting, and unnatural throughout history, and from the point of view of Islamic teachings, it is also called prostitution and is considered one of the major sins that has been assigned the most severe punishments.

Cite this article: DOI: <http://doi.org/>



© The Authors **Publisher:** University of Tehran Press.  
DOI: <http://doi.org/>



انتشارات دانشگاه تهران

## زن در توسعه و سیاست

### گرایش‌های نامتعارف جنسی از دیدگاه اسلامی تا رویه مراجع بین‌المللی و قوانین کشورها

مریم احمدی نژاد<sup>۱</sup> | الهه مرندی<sup>۲</sup>

۱. نویسنده مسؤل، استادیار گروه خانواده درمانی، پژوهشکده زنان، دانشگاه الزهراء (س)، تهران، ایران، رایانامه: [m.ahmadinejad@alzahra.ac.ir](mailto:m.ahmadinejad@alzahra.ac.ir)

۲. استادیار گروه حقوق، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهراء (س)، تهران، ایران، رایانامه: [e.marandi@alzahra.ac.ir](mailto:e.marandi@alzahra.ac.ir)

#### چکیده

#### اطلاعات مقاله

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

تاریخ بازنگری:

تاریخ پذیرش:

تاریخ انتشار:

کلیدواژه‌ها:

اسلام، حقوق بشر، هم‌جنس‌گرایی،  
برابری جنسیتی، خانواده

به‌رغم این واقعیت پذیرفته‌شده که خانواده مطلوب به‌عنوان پایه و سلول اصلی جامعه، تأثیر مستقیم بر پیشرفت جامعه دارد، امروزه با شکاف ایجادشده مابین عملکرد برخی جوامع و سنت‌های اخلاقی-دینی، با تهدیدات جدی نسبت به بنیان خانواده مواجهیم. یکی از این تهدیدات، گرایش‌های نامتعارف و غیرطبیعی جنسی افراد نسبت به هم‌جنس است که در سال‌های اخیر به‌شدت در حال قیج‌زدایی است. باوجود نهی شدید و مؤکد ادیان خصوصاً دین اسلام نسبت به گرایش‌های نامتعارف جنسی، در عرصه حقوقی بین‌المللی شاهد این هستیم که مراجع بین‌المللی متعددی در رویه قضایی خویش تبعیض و نابرابری نسبت به نهادهای مدنی‌ای که بر اساس این گرایش‌های نامتعارف شکل گرفته‌اند را با نهاد مقدس خانواده برنمی‌تابند و به‌حدی متأثر از این نگاه غیرطبیعی خویش گشته‌اند که علاوه بر حذف مجازات‌های تاریخی نسبت به این رویه غیراخلاقی، برای نفرت از هم‌جنس‌گرایی، جرم‌انگاری نموده‌اند. این امر به‌گونه‌ای پیش‌رفته که حتی برخی از کشورها «ازدواج» را که از جهت تاریخی و طبیعی مختص روابط بین زن و مرد می‌باشد، برای روابط مبتنی بر گرایش‌های جنسی غیرطبیعی به رسمیت شناخته‌اند؛ این در حالی است که گرایش‌های جنسی نامتعارف و غیرطبیعی یا به عبارتی هم‌جنس‌گرایی در طول تاریخ به‌عنوان یک امر قبیح و ناپسند و غیرطبیعی بوده و از منظر تعالیم اسلامی نیز تحت عنوان فحشا و از گناهان بزرگی است که سخت‌ترین مجازات‌ها را به خود اختصاص داده است و به هیچ وجه قابل تسامح نخواهد بود.

استناد:

DOI: <http://doi.org/>



DOI:

## ۱. مقدمه

یکی از انحرافات اخلاقی که از قدیم‌الایام در تمامی ادیان الهی بالاتفاق مذموم بوده، گرایش جنسی به هم‌جنس می‌باشد. واقعیت این است که باورهای دینی ارتباط مستقیمی با کاهش گرایش افراد به هم‌جنس‌گرایی دارد؛ درواقع آن‌هایی که به سکولاریزه کردن جوامع اعتقاد دارند، نگرش اخلاقی‌شان با تنوع بیشتری همراه است. بنابراین «کاهش دامنه مرجعیت دینی»<sup>۱</sup> به این معنا که اگر افراد درجایی خارج از سنت‌های مذهبی به دنبال معیارهای اخلاقی و عقاید خود باشند، ممکن است پیامدهای گسترده‌ای برای نظم اخلاقی در درون جوامع داشته باشد. (Halman, van Ingen, 2015: 616-627) در این راستا افول باورهای مذهبی در کشورهایی با مبنای فکری سکولاریسمی منجر به تغییر در دیدگاه‌های اخلاقی شده است. در این میان اصراری که رویکرد و رویه قضایی کشورهای عمدتاً غربی در لغو مجازات‌های تاریخی از این انحراف اخلاقی ارائه داده‌اند، ضرورت مطالعه، تبیین و تحلیل گرایش‌های نامتعارف جنسی را بیش‌ازپیش کرده است. چراکه صحنه گذاشتن جامعه جهانی به تبلیغات و تأکیدات حامی هم‌جنس‌گرایی می‌تواند برای کانون تاریخی و فطری خانواده تهدیدی جدی باشد و به تبع آن تهدیدی برای ادامه نسل بشریت خواهد بود. در این بین، تمایل شدید مراجع قضایی غربی به عادی‌انگاری و حمایت از این پدیده شوم که در طول تاریخ به‌عنوان یک جرم اخلاقی مورد ملاحظه بوده، می‌تواند جوامع را به‌سوی انحطاط اخلاقی سوق دهد. بر این اساس، مطالعه رویکرد و رویه عملی مراجع و نهادهای حقوق بشری به این مسئله، می‌تواند برای حاکمیت‌هایی که همچنان مبتنی بر دین، اخلاق و سنت‌های تاریخی هستند، انتهای مسیر مماشات و تسامح در قبال این انحرافات را آشکار سازد. در این خصوص پرسشی که نگارندگان را به نگارش این مرقومه واداشت این است که نظر اسلام به‌عنوان دینی مبتنی بر اخلاق<sup>۲</sup> در خصوص «گرایش‌های نامتعارف جنسی»<sup>۳</sup> چیست؟ و رویه مراجع حقوق بشری بین‌المللی و قوانین داخلی کشورها راجع به این گرایش‌های چگونه است؟ و چه میزان این عملکردها و نگرش‌ها باهم قابل جمع هستند؟

## ۲. پیشینه پژوهش

نگاهی گذرا به پیشینه پژوهش حاضر نشان می‌دهد، عمده نویسندگان حوزه حقوق بشر از ورود به این مسئله چالش‌برانگیز اجتناب نموده‌اند. خصوصاً اینکه مطالبی که به زبان فارسی نگاشته شده است یا با رویکرد حقوقی به مسئله نگاه نکرده است و یا اینکه این مسئله را از نگاه تطبیقی مورد مذاقه قرار نداده‌اند.

## ۳. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر جهت نیل به پاسخ پرسش‌های مطروحه، طی تحقیقی توصیفی-تحلیلی، با رویکردی حقوقی دیدگاه اسلامی راجع به این انحراف جدی را از لابه‌لای کتب و منابع معتبر شیعی جستجو نموده، سپس رویه موجود در حوزه حقوق بین‌الملل بشر را مورد ملاحظه قرارداد و به جهت فراوانی و تعدد رویه‌های موجود در این حوزه در بین پرونده‌های دیوان اروپایی حقوق بشر، بر آرای این مرجع قضایی تأکید نمود و در نهایت قوانین موضوعه کشورهای متعددی من‌باب نمونه جهت تبیین مسئله ارائه گردید.

## ۴. یافته‌های پژوهش

ارتکاب اعمال ناشی از گرایش‌های هم‌جنس‌گرایانه که مخالف با طبیعت خلقت بشری زن و مرد است در حوزه حقوق اسلامی مبتنی بر قرآن و احادیث جزو بزرگترین معاصی و اعمال نامشروع اخلاقی هستند که به کرات بر ممنوعیت آن تأکید شده است؛ تصریح چندین باره ماجرای قوم لوط و ممنوعیت هم‌جنس‌گرایی در آیات قرآن کریم، نشان از اهمیت حفظ خانواده به شکل قانونی و طبیعی آن دارد. چرا که در صورت اشاعه این نوع از فحشا در جامعه، با تهدیدی جدی برای موجودیت «خانواده» به معنی حقیقی آن و ادامه نسل بشری مواجهیم.

<sup>۱</sup> 'Declining scope of religious authority'

<sup>۲</sup> رسول گرامی اسلام (ص) فرمودند: إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ.

<sup>۳</sup> منظور از این عبارت در نوشتار حاضر به طور خاص گرایش‌های نامتعارف هم‌جنس‌گرایانه است. گرچه گرایش‌های نامتعارف دیگری هم وجود دارد، لکن از باب غلبه و به جهت رعایت موازین اخلاقی به‌جای عبارت هم‌جنس‌گرایی سعی شده بیشتر از عبارت «گرایش‌های نامتعارف جنسی» استفاده شود.

براساس مطالعه پیش رو، این میل و گرایش ناصحیح وقتی شکل می‌گیرد، عملکردی پیش رونده دارد همانطور که در عملکرد قوم لوط نیز اینچنین بود. علاوه بر این، براساس احادیثی که نقل شد، یکی از عوارض تکوینی گرایش به همجنس این است که فرد طبیعت وجودی‌اش تغییر یافته و گرایش نسبت به جنس مخالف را از دست می‌دهد و این امر در عملکرد همجنس‌گرایان چه در گذشته، چه امروز کاملاً مشهود است. علی‌رغم ممنوعیت شدید رفتارهای همجنس‌گرایانه در اسلام و همچنین در مبانی اخلاقی تاریخ بشر، امروزه شاهد دفاع و مساعدت برخی مراجع بین‌المللی نسبت به این گرایش‌های نامتعارف هستیم. به طوری که جامعه جهانی که حدود ۱۶۰ سال پیش شاهد فراگیری مجازات‌های سنگین نسبت به همجنس‌گرایی بود، کم‌کم به سمت قبح‌شکنی این جرم تاریخی و شناسایی مشارکت‌های مدنی مبتنی بر همجنس‌گرایی روی آورد؛ در این راستا کشورهای متعددی که برای همجنس‌گرایی مجازات‌های سنگینی داشتند چون انگلیس، فرانسه و ... پس از حذف جرم انگاری همجنس‌گرایی، تا تغییر معنای تاریخی و همیشگی ازدواج و در نظر گرفتن این نهاد برای روابط غیر طبیعی مابین همجنس‌گرایان پیش رفتند. این امر تا بدانجا پیش رفت که نهادها و سازمان‌های بین‌المللی فعال در حوزه حقوق بشر و برخی از حاکمیت‌های مدافع همجنس‌گرایی، بر اعطای حقوق برابر به زوجین همجنس‌گرا با آنچه در تاریخ تحت عنوان «خانواده» متشکل از زن و مرد مد نظر ادیان بوده است، پافشاری نمودند. ایشان با ارائه تعریفی مجدد از عبارت «برابری جنسیتی» در معاهدات و اسناد بین‌المللی، سعی در این دارند که تمامی گرایش‌های جنسی نامشروع و نامتعارف را داخل در مصادیق عبارت برابری جنسیتی دانسته و با ارائه تفسیری موسع، آنچه ابتدائاً مدنظر جوامع بشری نبوده است را در منطوق این عبارت بگنجانند و از این طریق سایر کشورهایی را که بر پابندی نسبت به ارزشهای خانوادگی، تاکید دارند را ملزم به استانداردهای جدیدی کنند که خلاف طبیعت، ادیان و سنت‌های تاریخی بشری است. این در حالی است که این تفسیر موسع با مخالفت جدی بسیاری از کشورهایی که خانواده متشکل از زن و مرد را به عنوان ارزشی اساسی برای بنیان جامعه خویش می‌دانند، خصوصاً کشورهای اسلامی مواجه است.

## ۵. بحث

### ۵-۱. گرایش‌های نامتعارف جنسی در دیدگاه اسلامی

یکی از اعمال ناپه‌نجار و قبیحی که به دلیل عواقب سوء بهداشتی<sup>۱</sup>، اجتماعی و اخلاقی آن به شدت در آموزه‌های ادیان الهی منع شده، هم‌جنس‌گرایی است. در دیدگاه اسلامی نیز آیات متعددی از قرآن کریم<sup>۲</sup> و روایات فراوانی به این مهم تصریح دارد. در تعالیم اخلاقی اسلام از روابط جنسی مردان تحت عنوان لواط و روابط مبتنی بر گرایش‌های نامتعارف جنسی زنان، تحت عنوان مساحقه<sup>۳</sup> یاد شده است. از جهت تاریخی به گواهی قرآن کریم<sup>۴</sup> اولین قومی که به این گناه مبتلا بودند، قوم لوط بودند. این قوم در برابر چشم یکدیگر و به صورت علنی و با بصیرت و آگاهی نسبت به زشتی این گناه، مرتکب آن می‌شدند.<sup>۵</sup> در حالی که هدفی جز شهوت نداشتند.<sup>۶</sup> (قرآنی، ج ۶، ۱۳۸۸: ۴۳۶-۴۳۷) در آیات متعدد قرآن کریم، قوم لوط به خاطر عملشان با اوصافی چون: متجاوز<sup>۷</sup>، مسرف<sup>۸</sup>، فاسق<sup>۹</sup>، نادان<sup>۱۰</sup> یاد شده‌اند و وصف این عمل تحت

۱. ر.ک: (عدنان، ۲۰۰۱م: ۱۹۸-۲۰۰)

۲. این عمل به‌عنوان یکی از گناهان کبیره اخلاقی بارها در قرآن کریم در آیات متعددی از سوره‌های «اعراف»، «هود»، «ذاریات»، «حجر»، «انبیاء»، «نمل» و «عنکبوت» و «قمر» و «شعرا» مورد تذکر و تکرار قرار گرفته و این تکرار خود نشانه اهمیت موضوع می‌باشد.

۳. «جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ: السَّخَقُ فِي النِّسَاءِ بِمَنْزِلَةِ اللَّوْطِ فِي الرِّجَالِ» (ابن‌اشعث، بی‌تا: ۱۳۵)

۴. «مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ» (عنکبوت/۲۸؛ اعراف/۸۰)

۵. «وَ تَأْتُونَ فِي نَادِيكُمْ الْمُنْكَرِ» (عنکبوت/۲۹)، «أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ وَ أَنْتُمْ تُبْصِرُونَ» (نمل/۵۴).

۶. «شَهْوَةٌ مِنْ دُونِ النِّسَاءِ» (اعراف/۸۱)

۷. «بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ عَادُونَ» (شعرا/۱۵۵)

۸. «بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُسْرِفُونَ» (اعراف/۸۱)

۹. «قَوْمٌ سَوَاءٌ فَاسِقِينَ» (انبیاء/۷۴)

۱۰. «بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ» (نمل/۵۵)

عناوین فاحشه<sup>۱</sup>، اسراف، خبیث، فسق، تجاوز، جهل، قطع سبیل<sup>۲</sup> تصریح شده است. فاحشه عنوان عامی است برای انحرافات متنوعی که از قدر و حد شرعی و طبیعی‌ای که برای اشیا در نظر گرفته شده، تجاوز کرده و برای انحرافات معینی که با تمایلات جنسی مرتبط است، مثل لواط، زنا، مساحقه و امثال آن گفته می‌شود. (فضل‌الله، ۱۴۱۹ ه. ق: ۱۳۶) اسراف از این نظر که آن‌ها نظام آفرینش و خلقت زن و مرد را فراموش کرده و از حد قانون طبیعت تجاوز نمودند؛ «خبیث» به معنی کار یا چیز آلوده‌ای است که طبع سالم آدمی از آن تنفر دارد. «فسق» به معنی خروج از اطاعت پروردگار؛ «نادان» به خاطر بی‌خبری از عواقب شومی است که این عمل برای فرد و جامعه دارد و بالأخره «قطع سبیل» بدین معنی که نتیجه شوم این عمل در صورت گسترش منتهی به قطع نسل انسانی می‌گردد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۳۱۸) در تفسیر آیات مبارکه‌ای که شامل توصیه‌های حضرت لوط است، خطاب به هم‌جنس‌گرایان این‌چنین ذکر شده است: درحالی که خداوند برای شما همسرانی را صلاح دانسته که با طبیعت خلقتتان هماهنگ است، ایشان را کنار زدید لذا تجاوز کردید از آنچه خداوند برای شما حلال دانست، به‌سوی آنچه برای شما حرام می‌داند. (طبری، ۱۴۱۲ ه. ق: ۶۴-۶۵) با این عمل شنیع، مخالفت کردید با حکم فطرت و طبیعت و هدف از خلقت زن و مرد و رو به عملی آوردید که حیوانات و وحوش نیز از این عمل تنفر دارند. (مغنیه، ۱۴۲۴ ه. ق: ۵۱۳) در ادامه لوط (علیه‌السلام) قومش را به ازدواج فراخواند<sup>۳</sup> لکن در پاسخ ایشان به عدم میل و رغبت به زنان و قصد نامشروع خویش تأکید کردند<sup>۴</sup>. لذا یکی از دلایل بی‌سابقه نامیدن این عمل را می‌توان تبدیل آن از یک «کنش» به یک «گرایش» دانست. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱/۱۸: ۹۲۳) از این‌رو، لوط (علیه‌السلام) از عمل ایشان شدت انزجار و نفرت خویش را آشکار ساخت.<sup>۵</sup> ولی پاسخ قومش جز این نبود که گفتند: خاندان لوط را از شهرتان بیرون کنید، زیرا آنان مردمی هستند که پاکیزگی می‌جویند<sup>۶</sup> این سخن نشانگر این معناست که فحشا وقتی عادی شد، گناهکاران سعی می‌کنند، سایرین را هم شبیه خود کنند و به مبارزه با افرادی بپردازند که پاک‌دامنی پیشه کرده‌اند. اینجاست که جامعه به سطحی از انحطاط می‌رسد که در اذهان عمومی آن جامعه معروف، منکر و منکر، معروف می‌شود. بدین‌سان درنهایت این قوم گرفتار عذاب الهی شدند<sup>۷</sup> و خداوند سرگذشت اینان را آیه و نشانه‌ای برای عبرت همگان بیان فرمود<sup>۸</sup> و قرآن کریم تأکید نمود که این سرگذشت برای کسانی که راه اینان بپیمایند، دور نخواهد بود.<sup>۹</sup> و این تهدیدی است از جانب خداوند متعال برای کسانی که به این گرایش‌ها تمایل دارند و از آن اجتناب نمی‌کنند. از احادیث و تفاسیر آیات چنین برمی‌آید که زنان قوم لوط نیز پس از اینکه مردان‌شان را در گناه غوطه‌ور دیدند، به مساحقه روی آوردند لذا زنان نیز به مردان بی‌نیاز شدند و در تمامی این شرایط لوط علیه‌السلام مردان و زنان قوم خویش را موعظه نمود. (برقی، ۱۳۷۱ ه. ق: ۱۱۱/۱) مساحقه نیز از جمله مصداق تعبیر فواحش در قرآن کریم می‌باشد. خانمی از حضرت امام صادق ع در مورد مساحقه سؤال کرد ایشان فرمودند: حد آن حد زانی است و نیز پرسید که آیا خداوند در قرآن به آن اشاره نکرده است؟ حضرت فرمودند چرا آن‌ها «اصحاب الرس»<sup>۱۰</sup> هستند.<sup>۱۱</sup> (برقی، ۱۳۷۱ ه. ق: ۱۱۴/۱؛ کلینی، ۱۴۲۹ ه. ق: ۱۴/۸۳؛ ابن‌بابویه، ۱۴۱۳ ه. ق: ۴/۴۳) به نظر می‌رسد شاید به دلیل حفظ حرمت و عفت زنانه بیان قرآن در خصوص هم‌جنس‌گرایی بیشتر در لواط ظهور داشته و بحث مساحقه به‌صورت مستورانه‌تری بیان گردیده است.

۱. «و لوطاً إذ قال لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ» (اعراف/۸۰، نمل/۵۴)

۲. «إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ وَ تَقَاطَعُونَ السَّبِيلَ» (عنکبوت/۲۹)

۳. «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع ... قَالَ عَرَضَ عَلَيْهِمُ التَّرْوِيجَ» (کلینی، ۱۴۰۷ ه. ق: ۵/۵۴۸)

۴. «... قَالَ يَا قَوْمِ هَؤُلَاءِ بَنَاتِي هُنَّ أَطْهَرُ لَكُمْ...، قَالُوا لَقَدْ عَلِمْتُمْ مَا لَنَا فِي بَنَاتِكُمْ مِنْ حَقٍّ وَ إِنَّكُمْ لَتَعْلَمُونَ مَا نُرِيدُ» (هود/۷۸-۷۹)

۵. قَالَ إِنِّي لِعَمَلِكُمْ مِنَ الْقَالِينَ (شعراء/۱۶۸) قَالِينَ به معنی عداوت شدیدی است که در اعماق دل و جان انسان اثر می‌گذارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱/۱۵: ۳۲۴)

۶. «فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا أَخْرِجُوا آلَ لُوطٍ مِنْ قَرْيَتِكُمْ إِنَّهُمْ أَنَاسٌ يَنْتَهَرُونَ» (نمل/۵۶)

۷. «وَآمَطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا فَسَاءَ مَطَرُ الْمُنْذَرِينَ» (نمل/۵۸؛ شعراء/۱۷۳)

۸. «إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً» (شعراء/۱۷۴)

۹. «وَمَا هِيَ مِنَ الظَّالِمِينَ بَبِيعَةٍ» (هود/۸۲)

۱۰. نام «اصحاب الرس»، در سوره ق آیه ۱۲ و سوره فرقان آیه ۳۸ آمده است. ایشان در یمامه زندگی می‌کردند و پیامبری به‌نام حنظله داشتند که پیامبرشان را تکذیب کرده، او را در چاه انداختند. چون «رس» به معنای چاه می‌باشد آن قوم را اصحاب رس نامیدند. برخی آنان را قومی می‌دانند که درخت صنوبر را معبود خود قرار داده و آن را می‌پرستیدند. امام صادق علیه‌السلام در مورد علت عذاب اصحاب رس فرمودند: زنان‌شان به زنان اکتفا می‌کردند. (قرائتی، ۱۳۸۸/۹: ۲۱۳)

۱۱. «فَقَالَتِ الْمَرْأَةُ مَا ذَكَرَ اللَّهُ ذَلِكَ فِي الْقُرْآنِ قَالَ بَلَى ... هُمْ أَصْحَابُ الرَّسِّ.»

در روایات و احادیث شیعه نیز برای این نوع از انحرافات و گرایش‌های نامتعارف جنسی مجازات و ممنوعیت‌های فراوانی ذکر شده است به طوری که حتی کسانی که همجنس‌گرایی را حلال می‌شمارند، مورد عتاب واقع شده‌اند.<sup>۱</sup> همچنین مراحل خفیف همجنس‌گرایی نیز دارای تعزیر بوده و مورد نهی شدید است. به عنوان نمونه حدیثی از پیامبر اکرم (ص) روایت شده که فرمودند هر که پسری را از روی شهوت بیوسد، خداوند در قیامت لجامی از آتش بر دهانش می‌زند. (کلینی، ۱۴۲۹ ه ق: ۱۱/ ۲۶۳) نهی اسلام در خصوص گرایش‌های نامتعارف جنسی به حدی رسیده است که به تصدیق حضرت امیر علیه‌السلام در شرایطی هم‌ردیف کفر به خداوند متعال است. (برقی، ۱۳۷۱ ه ق: ۱/ ۱۱۲) همچنین در روایت دیگری بیان شده که حرمت لواط بسیار بزرگ‌تر از زنا است. (کلینی، ۱۴۰۷ ه ق: ۵/ ۵۴۳) در این راستا است سخن رسول خدا (ص) که از گرفتار شدن فرد لواط کننده به غضب الهی و سقوط وی در طبقات جهنم و فرود آمدن او به پایین‌ترین درکات آن و جاودان ماندن وی در سخت‌ترین طبقات جهنم خبر داده‌اند. (عطاردی، ۱۳۸۴: ۲۲۳) از جمله آسیب‌های تکوینی همجنس‌گرایی در احادیث اینگونه نقل شده: مردی که از روی اختیار در همجنس‌گرایی مشارکت نماید، طبیعت وجودی‌اش تغییر یافته و دارای شهوت زنانه می‌گردد.<sup>۲</sup> (برقی، ۱۳۷۱ ه ق: ۱/ ۱۱۳) همان‌گونه که ملاحظه می‌گردد تشریح الهی در مجازات همجنس‌گرایی خصوصاً لواط برای حفظ حق طبیعی زن و استحکام نهاد خانواده سخت‌گیرانه بوده است.<sup>۳</sup> (شریف، ۲۰۰۱ م: ۱۹۷) مجازات بسیار سنگینی نیز بر ارتکاب آن وضع شده است.<sup>۴</sup> حتی ممنوعیت‌هایی در خصوص ازدواج مرتکبین این اعمال با بستگان همدیگر در احکام اسلامی ملاحظه می‌گردد.<sup>۵</sup> با این حال به جهت جلوگیری از اشاعه فحشا در جامعه، طریقه اثبات فواحش به صورت موکد و دشواری تنظیم شده است. به گونه‌ای که تشخیص پزشک در وقوع همجنس‌گرایی، کافی نیست و حجیت شرعی ندارد، زیرا ثبوت همجنس‌گرایی منوط است به اقرار و یا شهادت چهار نفر با شرایط مخصوص، که به آن بینة گفته می‌شود و مجرد نظر پزشک در تشخیص اثبات این جرائم کافی نیست. (نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه علوم پزشکی لرستان، ۱۳۹۸: ۹) در ضمن شهادت شهود به کمتر از حدنصاب نیز ممکن است برای شهود حد قذف را به همراه داشته باشد و همه این موارد نشان از این مهم دارد که قصد شارع اسلامی از مجازات مرتکب ابتدائاً عدم عادی‌سازی و عدم اشاعه فواحش است.

در خصوص علت ممنوعیت همجنس‌گرایی دلایل متعددی در احادیث معصومین (ع) بیان شده است که به طور خلاصه علت ممنوعیت همجنس‌گرایی را در قطع نسل، اختلال و فساد در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری اجتماعی و از هم‌پاشیدگی زندگی و امورات دنیا می‌دانند.<sup>۶</sup> شرح من لایحضره الفقیه علت حرمت همجنس‌گرایی و گرایش مردان به مردان و زنان به زنان را در ضرورت حمایت و حراست از نسب افراد و حفظ عطوفت و همکاری بین اعضای خانواده عنوان می‌دارد؛ زیرا اگر این عمل حلال می‌شد، خلقت تمایل زنان و مردان به هم عبث بود. بنابراین، چنین فعلی تضییع میل خدادادی و اسراف بزرگی است که جامعه را از وجود فرزندان صالحی که ارزش والای آن‌ها قابل وصف نیست، محروم می‌نماید. (مجلسی، ۱۴۰۶ ق: ۵/ ۵۰۴) امام صادق (علیه‌السلام) نیز پس از تأیید مطالب فوق می‌فرماید در مجاز شمردن عمل همجنس‌گرایی مفسده فراوانی وجود دارد.<sup>۷</sup> (ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۷۹ ه ق: ۲۶۴) آثار زیان‌بار بهداشتی همجنس‌گرایی نیز می‌تواند جزئی از اسرار و حکمت‌های علمی این حکم باشد، اما نمی‌توان گفت که علت تام و منحصر صدور این حرمت است. ممکن است مفسد و مصالح دیگری مثل ضررهای روحی و معنوی و اجتماعی نیز مورد نظر شارع بوده که در صدور این حکم تأثیر داشته است؛

۱. «لا تقوم الساعة حتى يرضخ الله رؤوس أقوام بكواكب من السماء يرميهم بها، باستحلالهم عمل قوم لوط» (فقیهی، ۱۳۸۷: ۳۱۵)

۲. «مَنْ أَمَكَ مِنْ نَفْسِهِ طَانَعًا يَلْعَبُ بِهِ أَلْفَى اللَّهُ عَلَيْهِ شَهْوَةَ النِّسَاءِ».

۳. لقد تشددت التشريع الإلهي في معاقبة اللواط حفظاً لحق المرأة الطبيعي.

۴. مجازات حدی همجنس‌گرایی از ۱۰۰ ضربه شلاق تا مجازات مرگ حسب مورد تعیین شده است. (مواد ۲۳۳ - ۲۴۱ ق. م. ا). در تمامی مواردی که به اندازه اثبات حد نمی‌رسد، مرتکبین تعزیر خواهند شد. در این خصوص احادیث فراوانی وجود دارد. به طور مثال: «أبي عبد الله ع قال إن كان مُحْصَنًا فَعَلَيْهِ الْقَتْلُ وَإِنْ لَمْ يَكُنْ مُحْصَنًا فَعَلَيْهِ الْجَلْدُ قَالَ فَقُلْتُ فَمَا عَلَى الْمُوطِئِ قَالَ عَلَيْهِ الْقَتْلُ عَلَى كُلِّ حَالٍ مُحْصَنًا كَانَ أَوْ غَيْرَ مُحْصَنٍ» (کلینی، ۱۴۰۷ ه ق: ۷/ ۱۹۸)؛ «سَأَلْتُهُ عَنِ الْمَرَاتَيْنِ تُوَجَّدَانِ فِي لِحَافٍ وَاحِدَةٍ قَالَ (ع) تَجَلَّدُ كُلُّ وَاحِدَةٍ مِنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ» (کلینی، ۱۴۲۹ ه ق: ۱۴/ ۸۳)؛ «دَخَلَ نِسْوَةٌ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) فَسَأَلَتْهُ أَمْرًا مِنْهُنَّ عَنِ السَّحْقِ فَقَالَ حَدُّهَا حَدُّ الرَّأْيِ» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ ه ق: ۴/ ۴۲)

۵. لواط کننده حق ندارد با مادر و مادر بزرگ و خواهر و دختر و نوه پسری لواط‌دهنده ازدواج کند. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۱: ۲/ ۳۸۹)

۶. «عَلَّةٌ تَحْرِيمِ الذُّكْرَانِ لِلذُّكْرَانِ وَالْإِنَاثِ لِلْإِنَاثِ ... مِنْ انْقِطَاعِ النَّسْلِ وَفَسَادِ التَّدْبِيرِ وَخَرَابِ الدُّنْيَا» (ابن بابویه، ۱۳۸۵: ۱۳۸۵/ ۲)

۷. «لَوْ كَانَ إِبْتِئَانُ الْعُلَامِ حَلَالًا لَأَسْتَعْنَى الرَّجَالُ عَنِ النِّسَاءِ فَكَانَ فِيهِ قَطْعُ النَّسْلِ وَتَعْطِيلُ الْفُرُوجِ وَكَانَ فِي إِجَارَةِ ذَلِكَ فُسَادٌ كَثِيرٌ»

همان‌طور که ممکن است برخی از ضررهای این عمل هنوز کشف نشده باشد. (رضایی اصفهانی، ۲/۱۳۸۱: ۳۹۱) در تأیید این سخن به فرمایش امام رضا (علیه‌السلام) اشاره می‌کنیم که ابتلای فرد به گرایش‌های جنسی نامشروع را موجب ابتلا به ۷۲ درد در دنیا و آخرت می‌دانند. (نوری، ۱۴۰۸ ه ق، ۱۴/ ۳۴۲) دردهای دنیا و آخرت اشاره به بیماری‌های جسمی، روحی و معنوی‌ای دارد که برای افراد مبتلابه همراه خواهد داشت.

## ۲-۵. نهادهای بین‌المللی حقوق بشر و گرایش‌های نامتعارف جنسی

امروزه به دلیل تمایلی که به دنبال تلاش‌های جنبش‌های حامی هم‌جنس‌گرایی در برخی جوامع برای آزادسازی و سپس قانونی‌کردن گرایش‌های نامتعارف جنسی ایجاد شده، برخی از مراجع بین‌المللی در پرونده‌های قضایی مطروحه به این مسئله پرداخته‌اند. لکن تعدد پرونده‌های دیوان اروپایی حقوق بشر در این حوزه موجب شد که در ادامه در یک بخش دیدگاه برخی نهادهای بین‌المللی حقوق بشر و در بخشی دیگر دیدگاه دیوان اروپایی حقوق بشر بصورت مجزا مطالعه گردد.

## ۱-۲-۵. دیدگاه نهادهای بین‌المللی حقوق بشر

یکی از مراجع بین‌المللی که به این بحث در رویه خود پرداخته است، کمیته حقوق کودک است کمیته مزبور جرم‌انگاری رفتار جنسی هم‌جنس‌گرایان را نقض ماده ۲ کنوانسیون حقوق کودک در رابطه با عدم تبعیض می‌داند. همچنین کمیته حقوق کودک به کشورهای گامبیا، اریتره، ایران و سریلانکا توصیه کرد که «مفاد قانونی جرم‌انگاری هم‌جنس‌بازی را لغو کنند» یا «رابطه هم‌جنس‌گرایان را جرم‌زدایی کنند». (Gerber, Timoshanko, 2021:15)

علاوه بر این، کمیسیون اروپا علیه نژادپرستی و ناپردباری<sup>۱</sup> در گزارشی خاطرنشان می‌کند که ماده ۲۲۶ قانون جزای ارمنستان (Criminal code of the republic of Armenia:art.226) فقط به ملیت، نژاد، و مذهب به‌عنوان ویژگی‌های قربانیان اعمال نژادپرستانه که به‌عنوان جرائم جنایی طبقه‌بندی می‌شوند، اشاره کرده و گرایش جنسی یا هویت جنسیتی را در میان دلایل ممنوعه ذکر نکرده است. از این رو کمیسیون معتقد است که این اضافات برای اطمینان از سطح مناسب حفاظت از افراد دگرباش جنسی ضروری است. همچنین تأکید می‌کند که انگیزه‌های ضد هم‌جنس‌گرایی باید به‌عنوان عامل تشدیدکننده برای هر جرم عادی در نظر گرفته شود (ECRI, 2016, paras. 2, 25, 26) در تعدادی از گزارش‌های سالانه کمیساریای عالی سازمان ملل متحد (OHCHR) به شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد نیز بر این مسئله تمرکز شده است.<sup>۲</sup> کمیساریای عالی سابق، خانم ناوانتم پیلا، مکرراً تأیید کرد که گرایش جنسی و هویت جنسیتی در قوانین بین‌المللی حقوق بشر به‌عنوان زمینه‌های ممنوعه تبعیض قاطعانه درج شده است. متأسفانه رویه‌های کمیسیون سابق حقوق بشر سازمان ملل و جانشین آن، شورای حقوق بشر سازمان ملل نیز اغلب تبعیض علیه افراد با گرایش‌های جنسی و هویت‌های جنسی متفاوت را محکوم می‌کنند. (Hamzic, 2011: 244)

نکته حائز اهمیت اینکه آنچه ابتدا از «برابری جنسیتی» مدنظر بوده، در رویه این مراجع بین‌المللی دگرگون شده و به‌گونه‌ای تفسیر موسع می‌گردد تا بتواند برابری هم‌جنس‌گرایان را با سایرین در خود بگنجانند چیزی که ابتدا در هنگام تنظیم و تدوین این اسناد بین‌المللی مدنظر نبوده<sup>۳</sup> و در اغلب جوامع با ممنوعیت مواجه بوده است. در این بین، کمیته حقوق بشر<sup>۴</sup> نیز در رویه خود بر این نگاه نسبت به هم‌جنس‌گرایان صحنه گذاشته و تصریح می‌کند: دولت عضو باید به‌طور رسمی اعلام کند که هیچ‌گونه انگ اجتماعی به هم‌جنس‌گرایی، دو جنس‌گرایی، یا

<sup>۱</sup>. European Commission against Racism and Intolerance (ECRI).

<sup>۲</sup>. A/HRC/44/26: High Commissioner's report to the Human Rights Council on the intersection of race and gender discrimination in sport (2020); A/HRC/29/23: High Commissioner's report to the Human Rights Council on discrimination and violence against individuals based on their sexual orientation and gender identity (2015); A/HRC/19/41: High Commissioner's report to the Human Rights Council on violence and discrimination based on sexual orientation and gender identity (2011); A/HRC/53/37: Report of the Independent Expert on protection against violence and discrimination based on sexual orientation and gender identity (2023).

<sup>۳</sup>. به‌عنوان نمونه ر.ک: ماده ۱۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر.

<sup>۴</sup>. The Human Rights Committee (HRC).

آزار و اذیت، یا تبعیض یا خشونت علیه افراد را به دلیل گرایش جنسی یا هویت جنسی آن‌ها تحمل نمی‌کند. دولت عضو باید تبعیض بر اساس گرایش جنسی و هویت جنسیتی را ممنوع کند و از افراد دگرباش جنسی حمایت مؤثری نماید. (Human Rights Committee, no. 1558/2007, 2012, para. 10) کمیته مزبور که نهاد نظارتی میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی است، در پرونده تونن علیه استرالیا، حکم داد که «ممنوعیت جنایی در مورد فعالیت جنسی همجنس‌گرایان، حتی اگر اجرائشده باشد، به منزله مداخله غیرمنطقی در حریم خصوصی آقای تونن است». در تصمیم‌گیری در مورد این پرونده، کمیته حقوق بشر تصریح کرد که «از نظر کمیته، اشاره به «جنسیت» در بند ۱ ماده ۲ و ماده ۲۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی باید دربرگیرنده گرایش جنسی تلقی شود.» (Toonen v. Australia, 1994: para. 8.2, 8.7) علی‌رغم اینکه دلیل منطقی‌ای وجود ندارد که اثبات کند در زمان تصویب میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، قصد تدوین‌کنندگان از این عبارت این بوده که گرایش‌های نامتعارف جنسی را در حمایت این کنوانسیون قرار دهند و اصولاً این موضوع به قدری در جامعه بشری به‌عنوان مسئله‌ای غیراخلاقی شناخته می‌شد که در اغلب کشورهای عضو این معاهده مجازات سختی برای هم‌جنس‌گرایی وجود داشت. لذا چون شناسایی مؤخر این پدیده نامتعارف مخالف معنایی است که ابتدا و در زمان تصویب از این عبارات مدنظر بوده، نمی‌توان تمامی اعضای این معاهده را ملزم به پذیرش بازتعریف کمیته از مواد ۲ و ۲۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی دانست. در واقع، اگر کمیته حقوق بشر بخواهد این گرایش‌های نامتعارف را در متن میثاق حقوق مدنی و سیاسی بگنجانند، راهکار قانونی این است که صراحتاً در ضمن پروتکلی اختیاری این موارد را تصویب نماید. چراکه اراده اولیه دولت‌ها همچنین نگاهی بر این عبارات میثاق را افاده نمی‌نماید. بنابراین الزام تمامی کشورهای عضو به این بازتعریفی که عکس‌العمل و مخالفت کشورهای متعددی را برانگیخته است، خلاف قاعده و برخلاف اصل حاکمیت دولت‌هاست.<sup>۱</sup>

در این بین، سازمان همکاری کشورهای اسلامی OIC از جمله نهادهای بین‌المللی‌ای است که به مخالفت با هم‌جنس‌گرایی پرداخته است. این سازمان بیانیه‌ای را منتشر نمود که توسط ۴۵ کشور از اعضای سازمان همکاری کشورهای اسلامی<sup>۲</sup> و ۱۲ کشور دیگر (کره شمالی، اریتره، اتیوپی، فیجی، کنیا، مالاوی، رواندا، سنت لوسیا، جزایر سلیمان، سوازیلند، جمهوری متحد تانزانیا و زیمبابوه) امضا و توسط نماینده سوریه قرائت شد. در این بیانیه کشورهای امضاکننده تأکید نمودند که ما با نگرانی به تلاش‌ها برای ایجاد «حقوق جدید» یا «استانداردهای جدید» از طریق تفسیر نادرست اعلامیه جهانی حقوق بشر و معاهدات بین‌المللی برای گنجاندن چنین مفاهیمی، اشاره می‌کنیم که این مفاهیم هرگز توسط اعضای عمومی بیان‌نشده و مورد توافق قرار نگرفته‌اند. این تلاش‌ها نه تنها قصد تدوین‌کنندگان و امضاکنندگان این اسناد حقوق بشری را تضعیف می‌کند، بلکه کل چارچوب بین‌المللی حقوق بشر را به‌طور جدی به خطر می‌اندازد. ما از همه کشورهای عضو سازمان ملل متحد و سازمان‌های غیردولتی می‌خواهیم که توجه ویژه و منابعی را برای حمایت از خانواده به‌عنوان «نهاد طبیعی و بنیادی جامعه»<sup>۳</sup> مطابق با ماده ۱۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر اختصاص دهند. (Response to SOGI Human Rights Statement, 2008)

دیوان حقوق بشر کشورهای آمریکایی نیز در دهه‌های گذشته رویه‌ای در این حوزه نداشت، لکن در سال‌های اخیر رویه‌ای در این حوزه شکل گرفته، مانند پرونده ویکی هرناندز و همکاران علیه کشور هندوراس<sup>۴</sup> و نظریه مشورتی که دیوان حقوق بشر کشورهای آمریکایی بنا به درخواست کشور کاستاریکا در سال ۲۰۱۷ در مورد هویت جنسیتی، برابری و عدم تبعیض هم‌جنس‌گرایان صادر نمود، در نظریه مزبور دیوان آمریکایی اعلام کرد که ۲۳ کشور عضو کنوانسیون حقوق بشر آمریکا باید ازدواج هم‌جنس‌گرایان را قانونی کنند و به افراد اجازه دهند تا نام و نشانگر جنسیت خود را به‌صورت رسمی تغییر دهند و تمامی حقوق زن و مرد را در ازدواج برای هم‌جنس‌گرایان به رسمیت بشناسند. (Advisory Opinion OC-24/17, 2017) این در حالی است که همچنان در حوزه صلاحیت دیوان حقوق بشر کشورهای آمریکایی، کشورهای هستند که هم‌جنس‌گرایی در این کشورها جرم‌انگاری شده است.<sup>۵</sup> این نظریه مشورتی، هرچند فی‌نفسه الزام‌آور نیست،

۱. ر.ک: قواعد تفسیر معاهدات مندرج در ماده ۳۱ کنوانسیون ۱۹۶۹ وین در خصوص حقوق معاهدات.

۲. Organization of Islamic Cooperation.

۳. The natural and fundamental group unit of society.

۴. Vicky Hernández et al. v. Honduras.

۵. دومینکن، گرانادا، گویان و...



تفسیری از کنوانسیون ارائه می‌دهد که بر عقیده دولت‌های عضو تأثیرگذار است. پس از نظریه مشورتی دیوان، تا سال ۲۰۱۸، تنها هفت کشور قاره آمریکا ازدواج همجنس‌گرایان را قانونی کرده بودند: کانادا، ایالات متحده، کلمبیا، برزیل، اروگوئه، آرژانتین و تا حدودی مکزیک (دوازده ایالت مکزیک، به‌علاوه ناحیه فدرال مکزیکوسیتی) علاوه بر این، شیلی و اکوادور به ترتیب، اتحادیه‌ها و مشارکت‌های مدنی را برای زوج‌های همجنس مجاز می‌دانستند و مهم‌تر از همه، کنگره شیلی در حال بحث در مورد لایحه‌ای است که ازدواج همجنس‌گرایان را مجاز می‌کند<sup>۱</sup> (Soccol, 2018) ولی متأسفانه هرچه پیش‌تر می‌رویم این انحرافات اخلاقی بیش‌ازپیش قلمرو کشورهای قاره آمریکا را نیز درمی‌نوردد. گفتنی است که تا پیش از دهه اخیر گرایش کشورهای آمریکایی به قانونی کردن همجنس‌گرایی و شناسایی حقوقی ازدواج برای ایشان بسیار اندک بود؛ لکن با تلاش‌های جنبش‌های مدنی حامی گرایش‌های نامتعارف جنسی، در جهت ایجاد برابری با روابط مبتنی بر ازدواج زن و مرد و عادی‌سازی این جرم دیرینه که در طول تاریخ بشریت به‌عنوان یک عمل خلاف طبیعت در جوامع جرم‌انگاری می‌شد، شاهد توسعه این روابط و عادی‌سازی آن در بین کشورهای قاره آمریکا نیز هستیم.

### ۵-۲-۲. دیدگاه دیوان اروپایی حقوق بشر

در بین مراجع بین‌المللی حوزه حقوق بشر یکی از مراجعی که بیشترین رویه را در این حوزه دارد و به ابعاد مختلف گرایش‌های نامتعارف جنسی پرداخته و در پرونده‌های مطرحه متعددی سعی در بسط و گسترش این مفاهیم و عادی‌سازی آن در جوامع تحت صلاحیت خود و به‌تبع آن در سایر جوامع داشته است، دیوان اروپایی حقوق بشر است. باوجوداینکه همچنان برخی کشورهای اروپایی همجنس‌گرایی را ممنوع و یا با آن مخالفت کرده‌اند، دیوان معتقد است که در مورد به رسمیت شناختن حق افراد در شناسایی صریح خود به‌عنوان همجنس‌گرا، لزبین یا هر اقلیت جنسی دیگر، و ارتقا حقوق و آزادی‌های ایشان، یک اجماع اروپایی وجود دارد. این در حالی است که دیوان با استناد به اجماع عمومی برخلاف رویه خود که در موضوعات حساس یا اخلاقی حاشیه انعطاف مضیقی را برای کشورها در نظر می‌گرفت، حاشیه انعطاف تفسیر گسترده‌ای را برای کشورها پذیرفته (Bayev and Others v. Russia, 2017:para.66) و در نتیجه روابط همجنس‌گرایان را به‌عنوان شکلی از «زندگی خانوادگی» شناسایی نموده است. درواقع به جهت اینکه دیوان اروپایی حقوق بشر در رویه قضایی خود بارها بر این امر که مبنای تفکر حاکم بر این مرجع قضایی سکولاریسم است، تأکید نموده است، آنچه در رویه دیوان اروپایی حقوق بشر در خصوص گرایش‌های نامتعارف جنسی مشاهده می‌شود، با آنچه توسط ادیان ابراهیمی و رویه پیامبران الهی مورد تأکید و توصیه بوده، کاملاً متفاوت است. لذا به جهت محدودیت مقاله در ارائه پرونده‌های بررسی‌شده دیوان در این حوزه، در ادامه به‌عنوان نمونه بخشی از پرونده‌های مطرحه در این خصوص ارائه می‌گردد.

### ۵-۲-۲-۱. پرونده بایف و دیگران علیه روسیه

در پرونده حاضر، خواهان‌ها سه تبعه روسی همجنس‌گرا بودند که به علت «فعالیت‌های عمومی باهدف ترویج همجنس‌گرایی در بین خردسالان» متهم و مجرم شناخته‌شده و جریمه شدند، در این پرونده خواهان‌ها ادعا می‌کردند روسیه با قانون تبلیغات همجنس‌گرایان، آزادی بیان آن‌ها را نقض کرده؛ دولت تأکید کرد که محدودیت نسبت به تبلیغ همجنس‌گرایی از این‌رو است که این امر موجب انکار ارزش‌های سنتی خانواده شده و در مقایسه با خانواده سنتی، روابط همجنس‌گرایان با خطرات بیشتری برای سلامتی همراه است و مانع رشد جمعیت می‌شود. (Bayev and Others v. Russia, 2017:para.48) لذا در یک جامعه دموکراتیک این امر برای حفظ سلامت، اخلاق و حقوق افراد ضروری است؛ چراکه کنترل رفتار همجنس‌گرایان، به‌منظور تأمین حفاظت در برابر استثمار و فساد افرادی که به دلیل جوانی آسیب‌پذیر هستند، ضرورت دارد. همچنین دولت روسیه به مسئله اخلاق عمومی اشاره و اعلام کرد که بین حفظ ارزش‌های خانوادگی به‌عنوان بنیان جامعه و تأیید پذیرش اجتماعی همجنس‌گرایی، ناسازگاری وجود دارد. لکن دیوان اروپایی حقوق بشر با

<sup>۱</sup> از بین چند کشوری که ذکر شد، نظریه مشورتی مطرحه برای کانادا، ایالات متحده و برزیل نیز الزام‌آور نبوده است چراکه کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر را امضا و یا تصویب نکرده‌اند. (<https://treaties.un.org/pages/showdetails.aspx?objid=08000002800f10e1>)

رد دفاعیات روسیه عنوان کرد که دلیلی نمی‌داند که این عناصر را ناسازگار تلقی کند، با توجه به اینکه نسبت به درج روابط بین هم‌جنس‌گرایان در مفهوم زندگی خانوادگی، تمایل عمومی فزاینده در جوامع اروپایی وجود دارد؛ دیوان با وجود تصدیق این واقعیت که در روسیه احساسات عمومی هم‌جنس‌گرایی را تأیید نمی‌کند، حاشیه انعطاف تفسیر دولت را در این مورد محدود نمود و بارد دلایل منطقی دولت روسیه به نقض ماده ۱۴ در ارتباط با ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر رأی داد. (Bayev and Others v. Russia, 2017: paras. 45, 48, 50, 67, 70, 84, 89)

### ۵-۲-۲-۲. پرونده لیلیندال علیه ایسلند

آقای لیلیندال خواهان این پرونده در برنامه رادیویی به‌صراحت از هم‌جنس‌گرایی و گرایش‌های نامتعارف جنسی تحت عنوان انحرافات جنسی یاد کرد. لذا وی به دلیل اظهاراتش و با این بهانه که اظهارات وی عدم تحمل و انزجار از افراد هم‌جنس‌گرا را ترویج می‌کند در مراجع قضایی ایسلند محاکمه شد و متعاقباً پس از گذشت تمام مراحل قضایی داخلی و صدور حکم علیه مشارالیه و محکومیتش، وی به دیوان اروپایی حقوق بشر شکایت کرد که حکم دادگاه‌های داخلی علیه وی، آزادی بیان او را نقض کرده است. دیوان نیز سخنان خواهان را تحت عنوان «سخنان مشوق تنفر»<sup>۱</sup> اعلام و استدلال دیوان عالی ایسلند را که سخنان خواهان را «جدی، به‌شدت آسیب‌رسان و مغرضانه»<sup>۲</sup> دانست، تأیید و اضافه کرد که حمایت از این گروه‌های خاص در برابر چنین سخنانی برای تضمین برخورداری آن‌ها از حقوق انسانی مساوی با سایرین، با سنت ملی دموکراتیک سازگار است. در ادامه اعلام داشت که تبعیض بر اساس گرایش‌های نامتعارف جنسی به همان اندازه جدی است که تبعیض نژادی یا تبعیض مبتنی بر رنگ پوست جدی و آسیب‌زا است! درنهایت دیوان مجازات مالی ۸۰۰ یورویی را علیه آقای کارل یوهان لیلیندال تأیید نمود. (Lilliendahl v. Iceland, 2020: paras. 1-10, 39-46) همان‌طور که ملاحظه شد، دیوان اروپایی حقوق بشر در رویه خود نه‌تنها برخلاف مفهوم اولیه تبعیض مبتنی بر جنسیت، تبعیض بر اساس گرایش‌های هم‌جنس‌گرایانه را در مفهوم ماده ۱۴ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر گنجانده، بلکه در این پرونده که اخیراً مورد حکم واقع شده است، پا را فراتر نهاده و تبعیض مبتنی بر گرایش‌های هم‌جنس‌گرایانه را با تبعیض نژادی یکسان دانست.

### • ۵-۲-۲-۳. پرونده آلكسیف و دیگران علیه روسیه

پرونده آلكسیف وکیل و روزنامه‌نگار روسی و دیگران در رابطه با ممنوعیت راهپیمایی‌های موسوم به رژه افتخار هم‌جنس‌گرایان در سال‌های ۲۰۰۶، ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ در مسکو است. این پرونده توسط فعال دگرباش جنسی سازمان دهنده راهپیمایی‌ها و ۵۰ نفر دیگر مطرح شد. ایشان مدعی شدند که ممنوعیت راهپیمایی‌ها، ماده ۱۱ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در خصوص آزادی تجمع را نقض کرده است. در این پرونده دولت روسیه استدلال کرد که ممنوعیت‌ها هم به دلایل امنیت و نظم عمومی و هم برای حفظ اخلاق موجه است. همچنین دولت اضافه کرد که «ترویج هم‌جنس‌گرایی در اماکن عمومی»<sup>۳</sup> منافع خردسالان و والدین آن‌ها را نقض می‌کند. (Alekseyev and Others v. Russia, 2019: paras. 1-32) در پرونده حاضر یکی از دلایل اصلی ارائه‌شده توسط مقامات مسکو برای ممنوعیت راهپیمایی، این نکته بود که رویدادهایی مانند موارد پیشنهادی توسط خواهان باید به‌عنوان نوعی تبلیغات که هم‌جنس‌گرایی را ترویج می‌کند، محدود شود. زیرا با «دکترین‌های مذهبی»<sup>۴</sup> تثبیت‌شده‌ای که اکثریت جامعه روسیه از آن پیروی می‌کنند، ناسازگار است. (Johnson, 2011:p.588) همچنین به دلیل عدم توافق بین کشورهای متعاقد در مورد پذیرش هم‌جنس‌بازی، مقامات داخلی در مورد اقداماتی که برای ارتقای منافع جامعه خود لازم می‌دانند، ارجحیت دارند. که این نظر نیز از جانب دیوان رد شد (Johnson, 2011:p.591) و درنهایت دیوان مدعی نقض حقوق خواهان‌ها نسبت به آزادی تجمع، آزادی بیان و منع تبعیض شد. (Alekseyev and Others v. Russia, 2019: para. 118)

1. Hate Speech.

2. Serious, severely hurtful and prejudicial.

3. Promotion of homosexuality in public places.

4. Religious doctrines.

#### ۵-۲-۲-۴. پرونده بیزاراس و لویکاس علیه لیتوانی

در سال ۲۰۱۵، پیجوس بیزاراس عکسی را در صفحه فیس‌بوک خود منتشر کرد که حاکی از رفتاری بود که آغاز رابطه نامتعارف و غیرطبیعی وی را با دوستش لویکاس<sup>۱</sup> نشان می‌داد. این تصویر در فضای مجازی بیش از ۸۰۰ نظر دریافت کرد. اکثر نظرات آنلاین حاکی از نفرت و خشونت علیه هم‌جنس‌گرایی بود، درحالی‌که نظرات متعددی مستقیماً بیزاراس و لویکاس را تهدید می‌کردند. (Beizaras and Levickas v. Lithuania, 2020: paras.9-10) بیزاراس و لویکاس از اتحادیه هم‌جنس‌بازان لیتوانی (LGL) درخواست کردند که به نام خود، دادستان کل را از اظهارات نفرت‌آمیز مطلع کند، زیرا آن‌ها معتقد بودند که چنین نظراتی جنایی بوده و مستحق تحقیقات پیش از محاکمه است. چند روز بعد، انجمن LGL شکایتی را به دادستانی کل تسلیم کرد و درخواست کرد که در مورد نظرات ارسال شده در فیس بوک، رسیدگی کیفری آغاز شود. (Beizaras and Levickas v. Lithuania, 2020: paras.72-80) مقامات لیتوانی بر این عقیده بودند که نظرات، اگرچه گاهی مبتذل و غیراخلاقی است، اما جرم محسوب نمی‌شود و ارسال تصویر ابتدایی که بوسه هم‌جنس را نشان می‌دهد، به‌خودی‌خود نوعی رفتار تحریک‌آمیز و غیرعادی است که به انسجام اجتماعی کمکی نمی‌کند، زیرا جامعه لیتوانی در کل ارزش‌های سنتی خانواده<sup>۲</sup> را بسیار تقدیر می‌کنند که طبق آن «خانواده، به‌عنوان یک ارزش اساسی است که از اتحاد یک مرد و یک زن تشکیل می‌شود»<sup>۳</sup> در پرونده حاضر، دادگاه منطقه کلاپیدا اعلام کرد که ناسازگاری ادعایی بین حفظ ارزش‌های خانواده به‌عنوان پایه جامعه و پذیرش اجتماعی هم‌جنس‌گرایی وجود دارد. لذا بیزاراس و لویکاس با این ادعا که امتناع مقامات داخلی از شروع تحقیقات در مورد نظرات نفرت‌انگیز منتشرشده در فیس‌بوک، تبعیض علیه ایشان بوده، در دیوان اروپایی حقوق بشر طرح شکایت کردند. بر این اساس دیوان در این پرونده باوجود اشاره به دیدگاه خود در پرونده کوزاک علیه لهستان<sup>۴</sup> مجدد به اهمیت خانواده در معنای سنتی آن تأکید نمود و اعلام کرد: حمایت از خانواده به معنای سنتی، اصولاً دلیلی سنگین و مشروع است که ممکن است تفاوت در رفتار را توجیه کند.<sup>۵</sup> لکن علی‌رغم توجه به خانواده سنتی، اشاره می‌کند به تحولات جامعه و تغییرات در ادراک اجتماعی، وضعیت مدنی و مسائل مربوط به ارتباطات و نتیجه می‌گیرد که در حوزه زندگی خانوادگی یا زندگی خصوصی فقط یک‌راه یا یک انتخاب وجود ندارد. و از این‌رو چون نظرات صفحه فیس بوک بر رفاه روانی خواهان‌ها تأثیر گذاشته است، بنابراین در حوزه زندگی خصوصی آن‌ها قرار می‌گیرد. (Beizaras and Levickas v. Lithuania, 2020: para.117,122) بنابراین دیوان رویکرد راهبردی جامع از سوی مقامات برای مقابله با موضوع سخنان تنفرآمیز و هم‌جنس‌گرا هراسی را احراز نکرد و اعلام نمود که مقامات لیتوانی تعهدات مثبت خود را برای محافظت از افراد موردنظر در برابر تبعیض (ماده ۱۴) در ارتباط با حق حریم خصوصی آن‌ها (ماده ۸) نقض کرده‌اند. (Beizaras and Levickas v. Lithuania, 2020: paras.155,164) متأسفانه همان‌طور که ملاحظه می‌شود در دیدگاه قضات دیوان تغییرات در درک اجتماعی و تحولات جامعه به‌قدری از اهمیت برخوردار است که می‌تواند در بایدها و نبایدهای اخلاقی تأثیر جدی داشته باشد و نکته قابل‌تأمل اینکه، در پرونده‌های مربوط به گرایش‌های جنسی نامتعارف، دیوان برخلاف رویه‌ای که در مباحث حساس و اخلاقی پیش‌گرفته و در این موارد اختیار و حاشیه انعطاف گسترده‌ای را برای دولت‌ها در نظر می‌گیرد (Polat v. Austria, 2021: para.78) (Valdís Fjölfnisdóttir and Others v Iceland, 2021: para.69-70) از حاشیه انعطاف تفسیر و اختیار دولت‌ها به صلاحدید، به طرز غیرقابل‌توجهی می‌کاهد.

#### ۵-۲-۲-۵. پرونده Genderdoc-M و M.D. علیه جمهوری مولداوی

<sup>1</sup> Mangirdas Levickas.

<sup>2</sup> the majority of Lithuanian society very much appreciate[d] traditional family values

<sup>3</sup> family, as a constitutional value, [was] the union of a man and a woman

<sup>4</sup> Kozak v. Poland (no. 13102/02, § 98, 2 March 2010)

<sup>5</sup> "the protection of the family in the traditional sense was, in principle, a weighty and legitimate reason that might justify a difference in treatment"

این پرونده در ارتباط با درگیری و ضرب و شتم آقای A.P. علیه خواهان دوم پرونده است. A.P. اظهار داشت که وی گرایش نامتعارف خواهان دوم را به‌عنوان هم‌جنس‌گرا از طریق مشاهده یک فیلم اینترنتی، شناسایی کرده است. خواهان مدعی بود که به دلیل هم‌جنس‌گرا بودن به وی توهین شده است. لذا خواهان دوم M.D. با این ادعا که مقامات مولداوی صرفاً به اظهارات دو طرف درگیری و گزارش پزشکی قانونی استناد نمودند و به‌طور جدی این احتمال که بدرفتاری نسبت به او جنایت نرفت<sup>۱</sup> بوده را بررسی نکردند، به دیوان اروپایی حقوق بشر شکایت نمود. دیوان پس از بررسی حقایق موجود در پرونده اعلام کرد که مقامات از تعهدات رویه‌ای خود برای تحقیق در مورد حمله کوتاهی کردند. چراکه بنابر نظر قضات دیوان، اظهارات و توهین‌های تبعیض‌آمیز نسبت به هم‌جنس‌گراها باید به‌عنوان عاملی تشدیدکننده در بررسی بدرفتاری در پرتو ماده ۳ در نظر گرفته شوند. (Genderdoc-M and M.D. v. the Republic of Moldova, 2021: paras. 11-16, 31-42) در این پرونده دیوان در حمایت از افرادی که گرایش‌های نامتعارف جنسی دارند، پیشروی کرد و نه تنها مجازات ارتکاب این اعمال را داخل در مصادیق ماده ۳ کنوانسیون دانست، بلکه حتی توهین لفظی و عملی به هم‌جنس‌گرایان را به‌عنوان جرمی تحت عنوان جرم نفرت شناسایی نمود و آن را داخل در مفهوم ماده ۳ کنوانسیون معنا کرد.

### ۵-۲-۲-۶. پرونده C و B علیه سوئیس

در پرونده حاضر خواهان آقای B تبعه کشور گامبیا، جایی که مجازات هم‌جنس‌گرایی بر اساس قانون ۲۱۴ سال حبس بود، به دلیل گرایش جنسی نامتعارفش به کشور سوئیس درخواست پناهندگی داد و به دنبال رد درخواست پناهندگی‌اش و تأکید دادگاه اداری فدرال سوئیس بر اینکه نیازی به ارزیابی وضعیت هم‌جنس‌بازان در گامبیا وجود ندارد، به دیوان اروپایی حقوق بشر شکایت کرد. دیوان در این قضیه تأکید کرد که گرایش جنسی B در صورت اخراج وی به گامبیا قابل کشف است و مقامات سوئیس این مسئله را ارزیابی نکرده‌اند که آیا مقامات گامبیا می‌توانند و مایل به حمایت از افراد هم‌جنس‌گرا در برابر بدرفتاری توسط بازیگران غیردولتی هستند یا خیر؟ در این پرونده دیوان گرایش جنسی افراد را جزئی اساسی از هویتشان دانست و در راستای آزادسازی روابط جنسی نامتعارف اعلام کرد که هیچ‌کس نباید برای جلوگیری از آزار و اذیت، تمایلات جنسی خود را پنهان کند. سرانجام دیوان در این پرونده به نتیجه رسید که دادگاه‌های سوئیس به‌اندازه کافی حمایت دولت در برابر بدرفتاری بازیگران غیردولتی را ارزیابی نکرده‌اند و لذا در ۱۷ نوامبر ۲۰۲۰، دیوان اروپایی حقوق بشر در حکمی اعلام نمود که سوئیس ماده ۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در خصوص منع شکنجه را در مورد یک هم‌جنس‌گرای گامبیایی نقض کرده است (B and C v. Switzerland, 2021: paras. 46, 57, 60-63, 82). چراکه دیوان معتقد است استرداد پناهندگان به یک کشور غیراروپایی که در آن به دلیل تمایلات جنسی خود در معرض بدرفتاری قرار می‌گیرند، اگر به سطح شدت موردنظر ماده ۳ برسد، نقض این ماده خواهد بود. (Council of Europe, 2022: para. 27) در این چارچوب وقتی دیوان مجازات مربوط به گرایش‌های نامتعارف جنسی و رفتارهای ضد هم‌جنس‌گرایی را داخل در مصادیق شکنجه می‌کند، استرداد افرادی که مبتلا به این گرایش نامتعارف هستند به کشورهایی که خوف جدی مجازات مرتکبین این اعمال در آن کشورها وجود دارد، را مصادق ماده ۳ می‌داند. بر اساس این تفسیر، در موارد متعددی هم‌جنس‌گرایی که تبعه کشورهایی هستند که هم‌جنس‌گرایی در آن‌ها جرم‌انگاری شده است، پس از رد درخواست پناهندگی‌شان توسط کشورهای اروپایی، به دیوان شکایت نموده‌اند. مانند پرونده I.K. علیه کشور سوئیس که در آن خواهان از سیرالئون به سوئیس پناهنده شد یا پرونده A.N. علیه فرانسه که خواهان فردی هم‌جنس‌گرا بوده که از ترس مجازات توسط مقامات کشور سنگال به کشور فرانسه پناهنده شد. در این پرونده‌ها دیوان ادعای خواهان‌ها را به دلیل نادقیق و کلیشه‌ای بودن روایت رد و استدلال نمود که این افراد نتوانستند خطر واقعی را در بازگشت به کشورشان اثبات کنند. (I.K. v. Switzerland, 2018: Summary) (A.N. v. France, 2016: paras. 1, 2, 45)

<sup>۱</sup> A hate crime.

<sup>۲</sup> براساس اصلاحات بند ۱۴۴ قانون کیفری گامبیا مجازات هم‌جنس‌گرایی که از ۵ تا ۱۴ سال حبس بوده به حبس ابد تبدیل شد. The Gambian Criminal Code, an amendment (144A) 2014.

### ۵-۲-۲-۷. پرونده اوگانزوا در مقابل ارمنستان

در پی آتش‌سوزی باشگاهی در ارمنستان، دو برادر بازداشت شدند. ایشان اظهار داشتند که پس از اطمینان از اینکه کسی داخل باشگاه باقی نمانده آن را به آتش کشیده‌اند؛ به این دلیل که باشگاه مزبور محل تجمع همجنس‌بازان بوده و اینکه خواهان پرونده یک لژیون بوده که در راهپیمایی همجنس‌گرایان در استانبول نیز شرکت کرده بود. دیوان اروپایی حقوق بشر در این خصوص اعلام کرد که رفتاری که مبتنی بر یک سوگیری مستعد از جانب اکثریت دگرجنس‌گرا علیه اقلیت همجنس‌گرا باشد، می‌تواند در محدوده ماده ۳ قرار گیرد و اظهارات و توهین‌های تبعیض‌آمیز در هر صورت باید به‌عنوان یک عامل تشدیدکننده در نظر گرفته شود. همچنین اضافه نمود که در پرونده حاضر انگیزه نفرت از همان ابتدا آشکار بود، حتی قبل از شروع تحقیقات پلیس، با این وجود مقامات این جنایت را صرفاً به‌عنوان «خسارت عمدی به اموال» توصیف کردند زیرا مکانیسمی در قوانین کیفری داخلی وجود نداشت که تبعیض به دلیل گرایش جنسی و هویت جنسی، باید به‌عنوان انگیزه مغرضانه و عامل تشدیدکننده در ارتکاب جرم تلقی شود. در نهایت دیوان اعلام نمود که دولت تعهدات مثبت خود برای تحقیق در مورد انگیزه‌های ضد همجنس‌گرایانه را به شیوه‌ای مؤثر انجام نداده است. (Oganezova v. Armenia, 2022, paras. 17-19, 81,102,103,108) ، همان‌طور که ملاحظه شد، دیوان به حدی متعصبانه مسئله را تحلیل کرده که حتی انگیزه‌های ضد همجنس‌گرایی در اختلافات شخصی را به‌عنوان عوامل مشدده جرم و مجازات مورد پذیرش قرار داده و در سطحی آن را در محدوده ماده ۳ کنوانسیون قرار داده است.

### ۵-۲-۲-۸. پرونده فدوتووا و دیگران علیه روسیه

پرونده پیش‌رو راجع به شش فرد همجنس‌گرا در روسیه است که با تقاضای ثبت و اعلام ازدواج به ادارات محلی کشورشان رجوع کردند، لکن ثبت و اعلام ازدواج آن‌ها به این دلیل که قانون داخلی روسیه به‌درستی ازدواج را به‌عنوان «اتحاد داوطلبانه زناشویی بین یک مرد و یک زن»<sup>۱</sup> تعریف کرده و زوج‌های همجنس را مستثنا می‌کند، رد شد. بنابراین خواهان‌ها این تصمیم را به چالش کشیده لکن موفق نشدند. در ادامه ایشان با این ادعا که ثبت رسمی روابط مربوطه آن‌ها غیرممکن شده و از این‌رو، در یک خلأ قانونی قرار گرفته، از حمایت‌های قانونی محروم شده‌اند و در زندگی روزمره با مشکلات اساسی مواجه می‌شوند، به دیوان اروپایی حقوق بشر شکایت کردند (Fedotova and Others v. Russia, 2023: para. 24-44) در این قضیه دولت روسیه دلالی را مطرح نمود که قابل تأمل است. دولت اعلام کرد که خانواده، مادری و کودکی، در درک سنتی خود، ارزش‌های اساسی در سیستم داخلی روسیه را تشکیل می‌دهند و مستلزم حمایت و حفظ ویژه هستند. حفظ خانواده سنتی ذاتاً باهدف حفظ و توسعه نژاد بشر مرتبط است. علاوه بر این، هدف حمایت از ارزش‌های سنتی خانواده با کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نیز ناسازگار نیست؛ چراکه رویه قضایی دیوان همیشه اهمیت حفظ سنت‌ها و تنوع فرهنگی را تأیید کرده است. (Fedotova and Others v. Russia, 2023: para. 115-116) دولت روسیه علاوه بر این اظهار داشت که هیچ اجماع اروپایی در موضوع به رسمیت شناختن و حمایت قانونی از زوج‌های همجنس وجود ندارد، زیرا فدراسیون روسیه و شانزده کشور عضو شورای اروپا<sup>۲</sup> به این زوج‌ها به‌هیچ‌وجه شناسایی قانونی اعطا نمی‌کنند. همچنین دولت عنوان نمود که تأیید ازدواج برای زوج‌های همجنس مغایر با قانون اساسی و سیاست عمومی روسیه است. مضافاً با اشاره به نتایج نظرسنجی‌هایی که در سال ۲۰۲۱ توسط مراکز مختلف انجام شد، بر این امر تأکید نمود که زمان مناسبی برای جامعه روسیه جهت پذیرفتن شناسایی قانونی زوج‌های همجنس نیست. چراکه این نظرسنجی‌ها نشان داد که ۶۹ درصد از شهروندان روسیه نسبت به افراد همجنس‌گرا بی‌تحمل بوده و نه‌تنها با شناسایی ازدواج آن‌ها، بلکه با هر شکلی از شناسایی این گرایش‌های نامتعارف مخالف هستند. علاوه بر این، بر اساس داده‌های آماری منتشر شده توسط مرکز تحلیلی لودا، ۵۹

<sup>۱</sup> "voluntary marital union between a man and a woman"

<sup>۲</sup> . آلبانی، ارمنستان، آذربایجان، بوسنی و هرزگوین، بلغارستان، گرجستان، لتونی، لیتوانی، جمهوری مولداوی، مقدونیه شمالی، لهستان، رومانی، صربستان، اسلواکی، ترکیه و اوکراین.

درصد از روس‌ها معتقد بودند که هم‌جنس‌گرایان نباید از حقوقی برابر با افراد دگرجنس‌گرا برخوردار شوند. لذا دولت روسیه از دیوان خواست تا در بررسی پرونده، به نگرش اکثریت جامعه روسیه نسبت به هم‌جنس‌گرایان توجه نماید. (Fedotova and Others v. Russia, 2023: para. 111-118) لکن علی‌رغم استدلال‌ات روسیه، دیوان به رویه سابق خود اشاره و به اتفاق آرا عملکرد روسیه را نقض ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر دانست (Fedotova and Others v. Russia, 2023: para. 230)

### ۵-۲-۲-۹. پرونده X و دیگران علیه اتریش

این پرونده راجع به دو زن هم‌جنس‌گراست که در خصوص رد درخواست فرزندخواندگی فرزند خواهان اول پرونده با خواهان سوم به دیوان اروپایی حقوق بشر مراجعه کردند. محتویات پرونده حاکی از این است که بر اساس قوانین فرزندخواندگی در کشور اتریش، فرزندخواندگی تنها به زوجینی تعلق می‌گیرد که زن و مرد باشند و در صورت پذیرش فرزندخواندگی برای خواهان سوم، رابطه قانونی فرزند با مادر بیولوژیکی‌اش باید قطع گردد. چراکه بر اساس قانون مدنی اتریش هر شخصی که فرزندخواندگی را می‌پذیرد، جایگزین والدین بیولوژیکی هم‌جنس خود می‌شود. در این پرونده برای اولین بار دیوان حق فرزندخواندگی را برای مادر دوم به رسمیت شناخت. این در حالی است که این امر در اکثر کشورها منع قانونی دارد همان‌طور که در قوانین اتریش نیز این‌چنین است. (X and Others v. Austria, 2013: para.9-153)

### ۵-۲-۳. مواجهه با گرایش‌های نامتعارف جنسی در رویه قانونی کشورها

در کشورهای مختلف برخورد نظام حقوقی با افراد دارای گرایش‌های نامتعارف و نامشروع جنسی، متفاوت است. از تعریف خانواده به‌عنوان اتحاد مابین زن و مرد و عدم شناسایی قانونی هم‌جنس‌گرایی، پیش‌بینی مجازات برای هم‌جنس‌گرایی تا به رسمیت شناختن قانونی ازدواج برای هم‌جنس‌گرایان در نظام‌های حقوقی مختلف ملاحظه می‌گردد. لذا به جهت ظرفیت محدود مقاله، جهت تنویر ذهن به مواردی از قوانین کشورهای که در این دودسته قرار می‌گیرند اشاره می‌گردد. از جمله کشورهایی که نهاد خانواده را متشکل از زن و مرد می‌دانند، جمهوری اسلامی ایران، پاکستان، عربستان سعودی، سوریه، روسیه، توگو و کامرون و چاد و برونه‌ای، اریتره، اتیوپی، کنیا، ترکمنستان، ازبکستان، عراق، کویت، عمان، قطر، امارات، یمن، افغانستان، بنگلادش، مالدیو، سریلانکا، مالزی، میانمار سومالی، سودان شمالی، تانزانیا، اوگاندا، مالاوی<sup>۱</sup> است. یکی از کشورهایی که نهاد خانواده را به شکل طبیعی و سنتی آن مورد حمایت قرار دارد، کره شمالی است. در این کشور، هیچ مقرره‌ای وجود ندارد که ازدواج هم‌جنس‌گرایان، را به رسمیت بشناسد. (Kim, 1973: pp. 906-917) لیتوانی نیز از جمله کشورهایی است که به تعریف خانواده به پیوند زن و مرد در قانون پرداخته و روابط هم‌جنس‌گرایان را رسمیت نمی‌دهد. ماده ۳۸ قانون اساسی لیتوانی مقرر داشته: «ازدواج با رضایت متقابل آزادانه زن و مرد منعقد می‌شود» (Constitution of the Republic of Lithuania, 1992) همچنین در ماده ۳،۱۲ قانون مدنی لیتوانی، ازدواج هم‌جنس‌گرایان صراحتاً ممنوع شده و اشعار می‌دارد: «ازدواج فقط با جنس مخالف منعقد می‌شود». (ivilinis kodeksas, Priėmimo, 2000-07-18)

با وجود تلاش‌هایی که در اروپا برای عادی‌سازی و قانونی کردن هم‌جنس‌گرایی و در سطح بالاتر جرم‌انگاری نفرت علیه هم‌جنس‌گرایان، صورت گرفته است، هنوز هم تعداد زیادی از کشورهای عضو شورای اروپا هستند که ازدواج را در معنای اتحاد زن و مرد معنا می‌کنند و ازدواج هم‌جنس‌گرایان را به رسمیت نشناخته‌اند. مجارستان یکی از کشورهای اروپایی است که در قانونش خانواده به‌عنوان پیوند زن و مرد معنا شده و در این کشور ازدواج هم‌جنس‌گرایان ممنوع است. در ۱ ژانویه ۲۰۱۲، قانون اساسی جدید مجارستان به اجرا درآمد که ازدواج را برای زوج‌های جنس مخالف محدود می‌کند و هیچ تضمینی برای حمایت از تبعیض به دلیل گرایش جنسی در آن وجود ندارد. در ژوئن ۲۰۲۱، مجارستان قانون ضد دگرباشان جنسی را تصویب کرد که در آن ممنوعیت تبلیغات هم‌جنس‌گرایی نیز تصریح شده است. (Hungary Act LXXIX of 2021) - ماده ۵۱ قانون اساسی اوکراین نیز خانواده را اتحادی متشکل از زن و مرد تعریف می‌کند و هیچ شناسایی

۱. مجازات هم‌جنس‌گرایی در این کشور تا ۱۴ سال حبس برای مردان و تا ۵ سال حبس برای زنان مقرر شده است.

حقوقی‌ای برای ازدواج هم‌جنس‌گرایان و حتی هیچ نوع شناسایی محدودتری برای زوج‌های هم‌جنس ارائه نمی‌دهد. (Constitution of Ukraine, 1996) لهستان نیز یک کشور اروپایی و تحت تأثیر اخلاقیات مبتنی بر مذهب کاتولیک می‌باشد؛ ماده ۱۸ قانون اساسی این کشور هم ازدواج را به‌عنوان پیوند زن و مرد تعریف می‌کند. البته تحت تأثیر فرهنگ اروپایی در قوانین عادی تبعیض شغلی را نسبت به گرایش‌های نامتعارف جنسی نپذیرفته و اتحادیه‌های مدنی بین هم‌جنس‌گرایان را مجازات نمی‌کنند. (Constitution of the Republic of Poland, 1997) در عین حال این کشور در پرونده‌های متعددی که به طرفیت هم‌جنس‌گرایان در دیوان اروپایی حقوق بشر مطرح شد، محکوم شده است و این امر نشان می‌دهد هنوز با استانداردهای اروپایی در این خصوص فاصله خود را حفظ کرده است. علاوه بر این، در بند ۱ ماده ۳۰ قانون اساسی گرجستان مصوب ۲۰۱۸ نیز ازدواج اتحاد زن و مرد به‌منظور تشکیل خانواده معنا شده است. (Constitution of Georgia, 2018) روسیه نیز تا سال ۲۰۲۲ عضو شورای اروپا بوده است<sup>۲</sup> بند ۱ ماده ۷۲ قانون اساسی روسیه مصوب ۲۰۲۱، از خانواده، مادری، کودکی و ازدواج به‌عنوان اتحاد یک مرد و یک زن حمایت می‌کند. (The Constitution of the Russian Federation: art.72(1)(g1)) علاوه بر این، ترکیه یکی کشورهایی است که قسمتی از آن در قاره اروپا واقع شده و از قدیم‌الایام هم‌جنس‌گرایی در این کشور جرم بوده است لکن در سال ۱۸۵۸، امپراتوری عثمانی قانون جزایی جدیدی را تصویب کرد که دیگر هیچ ماده صریحی در مجازات هم‌جنس‌گرایی ندارد. (Hussain, 2011: 10) این درحالی که است که در همان ایام در بسیاری از کشورهای اروپایی هم ارتکاب چنین رفتارهایی جرم محسوب می‌شد. لکن باوجود پیشروی به سمت قبح زدایی از هم‌جنس‌گرایی پس از اقدام به سکولاریزه شدن این کشور مسلمان، هنوز هم چیزی تحت عنوان ازدواج هم‌جنس‌گرایان در قوانین داخلی ترکیه به رسمیت شناخته نشده است. حتی تلاش گروه‌های مدافع هم‌جنس‌گرایی برای گنجاندن حمایت‌هایی برای این روابط در اصلاحات قانون اساسی به نتیجه نرسید. نکته حائز اهمیت اینکه در قوانین ترکیه مواردی ملاحظه می‌شود که از این اعمال جلوگیری شده است. به‌عنوان نمونه طبق قانون انضباط نیروهای مسلح ترکیه، هم‌جنس‌گرایی زمینه‌ای برای اخراج افسران، درجه‌داران و دانشجویان نظامی است. (Turkish Armed Forces Disciplinary Law, 2013) لکن علی‌رغم جمعیت فراوان اسلام‌گرا در ترکیه، این کشور در این خصوص رویه‌ای سکولار پیش گرفته و همان‌طور که بیان شد، جرم‌انگاری و مجازاتی که در این ارتباط وجود داشت، لغو گردید. باوجود عضویت ترکیه در سازمان همکاری‌های اسلامی نیز این کشور بیانیه‌ای که علیه هم‌جنس‌گرایی در سال ۲۰۰۸ توسط اعضای این سازمان صادر شد را امضا نکرده است.<sup>۳</sup>

در این بین، تلاش‌های حامیان هم‌جنس‌گرایی متأسفانه به جایی رسیده است که در بسیاری از کشورها این جرم اخلاقی، قانونی شده است. از جمله این کشورها می‌توان از کانادا، مکزیک، کوبا، آرژانتین، بولیوی، برزیل، شیلی، کلمبیا، اکوادور، اروگوئه، تایوان، استرالیا، آلمان، سوئیس، دانمارک، فنلاند، ایسلند، نروژ، سوئد، پرتغال، اسپانیا، بلژیک، فرانسه، ایرلند؛ ایالات متحده آمریکا نام برد که از جمله کشورهایی هستند که هم‌جنس‌گرایی در آنها قانونی است. برخی از این کشورها تا جایی پیشروی کرده‌اند که روابطی را که در طول تاریخ، توسط ادیان و نگرش‌های مختلف تقبیح می‌شد، امروزه تحت قالب ازدواج مابین این افراد به رسمیت شناخته‌اند.

هلند یکی از کشورهای پیشرو در گرایش‌های نامتعارف و غیرطبیعی هم‌جنس‌گرایی است. به‌طوری که حتی سال‌هاست برای منع تبعیض و رفتار برابر در خصوص هم‌جنس‌گرایان قوانین مدون دارند؛ به‌عنوان نمونه، قانون رفتار برابر ۱۹۹۴، تبعیض ناشی از گرایش جنسی را در همه زمینه‌ها چون اشتغال و مسکن ممنوع می‌نماید. (Netherlands Equal Treatment Act, 1994) این کشور اولین کشوری بود که ازدواج هم‌جنس‌گرایان را در سال ۲۰۰۱ به رسمیت شناخت و پس از آن بلژیک در سال ۲۰۰۳ دومین کشوری بود که ازدواج را برای این جرم و خطای تاریخی به رسمیت شناخت. (Patton-Imani, 2020: 15)

نکته‌ای که نشان از قبح تاریخی این فعل مذموم دارد این است که بسیاری از کشورهایی که هم‌جنس‌گرایی را در قوانین خود در سال‌های اخیر به رسمیت شناخته‌اند، در سابقه تاریخی خود نسبت به این پدیده خلاف طبیعت، جرم‌انگاری داشته‌اند. به‌عنوان نمونه، در فرانسه قبل

<sup>۱</sup> . D.A. and Others v. Poland, Application no. 51246/17, 8 July 2021.

<sup>۲</sup> . براساس قطعنامه CM/Res(۲۰۲۲)۲ کمیته وزیران، روسیه در سال ۲۰۲۲ از اتحادیه اروپا اخراج شد.

<sup>۳</sup> . رجوع کنید به ص ۷ مقاله حاضر

از انقلاب کبیر، لواط جرم‌انگاری شده و یک جرم سنگین بود. به طوری که در ژوئیه ۱۷۵۰ ژان دیو و برونو لنوآر که مرتکب همجنس‌گرایی بودند در میدان گرو پاریس به آتش کشیده شدند. (Grau, 2011: 149 à 152) لکن طی تلاش‌های فراوان جنبش‌های حامی همجنس‌گرایی در ۱۷ مه ۲۰۱۳ با امضای رئیس‌جمهور، ازدواج همجنس‌گرایان در این کشور قانونی شد. (French Constitutional Council, 2013) در آلمان نیز همجنس‌گرایی در گذشته جرم‌انگاری شده بود. (StGB, 1871: Para. 175) لکن در سال ۲۰۱۷ در این کشور ازدواج همجنس‌گرایان قانونی شد (Gesetz zur Einführung des Rechts auf Eheschließung für Personen gleichen Geschlechts, 2017) آنها حتی فرزندخواندگی را برای همجنس‌گرایان مجاز می‌دانند. (Act on Registered Partners, 2005: Section 9(7)) در انگلستان نیز قانون همجنس‌گرایی ۱۵۳۳ که همجنس‌گرایی را جرم‌انگاری می‌کرد و حداکثر مجازات آن، مجازات مرگ بوده، (Buggery Act, 1533) تا سال ۱۸۶۱ به قوت خود باقی ماند. در آن روزگار در انگلستان تلقی از همجنس‌گرایی به عنوان یک انحراف جنسی وجود داشت. (Grosclaude, 2016: 5-7) بخش ۶۱ قانون جنایات علیه شخص ۱۸۶۱ مجازات اعدام برای همجنس‌گرایی را حذف و حبس را جایگزین آن نمود. (Offences Against the Person Act, 1861: section 61) اما امروزه قانون ازدواج (همجنس‌گرایان) مصوب ۲۰۱۳ ازدواج همجنس‌گرایان را در انگلستان و ولز مجاز دانسته، این قانون که در ۲۰۱۴ لازم‌الاجرا شد، (UK Public General Acts, Marriage Act 2013) رویه‌ای خلاف سنت اخلاقی دیرینه انگلستان را نشان می‌دهد.

در این بین، بسیاری از کشورهایی که همجنس‌گرایی را پذیرفته‌اند، فرزندخواندگی را برای والد دومی که در رابطه همجنس‌گرایی است، مجاز نمی‌دانند. تا ده سال گذشته، صرفاً شش کشور این مسئله را برای هر دونفری که در این رابطه نامتعارف و غیر طبیعی بودند، مجاز می‌دانستند. (X and Others v. Austria, 2013: para.57) به عنوان نمونه، اتریش که مشارکت مدنی همجنس‌گرایان را در سال ۲۰۰۹ براساس قانون به رسمیت شمرده است، (Registered Partnership Act, 2009) ازدواج را بین زن و مرد تعریف کرده (Civil Code, 1811: Art.44) و فرزندخواندگی را تنها در شرایطی می‌پذیرد که زوجین زن و مرد باشند. (Civil Code, 1811: Art.137b,138) و تفاوت‌هایی بین ازدواج و مشارکت مدنی باقی گذاشته است که مهمترین آنها مربوط به حقوق والدین است. از این رو، مسیرهای کمک باروری در این کشور صرفاً برای زوج‌های با جنس‌های متفاوت در دسترس است (Artificial Procreation Act, 1966: section 2(1)) تعدادی از کشورهایی که ازدواج را برای همجنس‌گرایان به رسمیت شناخته‌اند نیز، حقوقی جهت لقاح مصنوعی و دسترسی به فناوری‌های کمک باروری به این افراد، اعطا کرده‌اند. البته به جهت ضرورت حفظ منافع کودکان این امر شیوع کمتری دارد. همانطور که ملاحظه شد، این عمل چنان خلاف عقل و طبیعت انسانی است که حتی بسیاری از دیدگاه‌هایی که این امر را مجاز می‌دانند، به جهت حفظ منافع کودکان از آسیب‌های تربیتی حتمی رفتارهای خلاف طبیعت انسانی، در خصوص امکانات مربوط به پذیرش فرزندخوانده و تولید مثل آزمایشگاهی، محدودیت‌هایی را برای این قشر قائل هستند.

همانطور که بیان شد، کشورهای زیادی نیز برای اعمال مبتنی بر گرایش‌های نامتعارف جنسی، مجازات‌های سنگینی را مقرر نموده‌اند. عمدتاً کشورهایی هستند که بر اهمیت خانواده به عنوان نهاد پایه‌ای جامعه اذعان دارند که اکثریت‌شان کشورهای اسلامی هستند که قوانین داخلی‌شان همراستا با آموزه‌های تاریخی ادیان الهی خصوصاً بر اساس مبانی شرعی اسلامی مبتنی است بر زوجیت، لذا ارتکاب اعمال همجنس‌گرایانه را جرم‌انگاری نموده‌اند؛ یکی از این کشورها، جمهوری اسلامی ایران است که در خصوص اعمال مبتنی بر گرایش‌های نامتعارف جنسی مجازات‌های مختلفی را مقرر نموده است. همجنس‌گرایی در قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ از جمله جرائم حدی است که اثبات آن با دلایل محکم و شواهد متقن صورت می‌پذیرد و در صورتی که شاهدان به حد نصاب نرسیده و یا شهادت مبتنی بر مشاهده نباشد، شاهدان به مجازات حد قذف محکوم می‌شوند. بر این اساس گفتنی است که این امر چنان خلاف فطرت و قواعد حقوقی است که حتی شهادت‌دادن به آن نیز باید با احتیاط صورت گیرد. لذا اثبات این عمل در نظام حقوقی ایران که مبتنی بر شریعت اسلام است،



بسیار سخت است. همجنس‌گرایی در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ تحت سه عنوان لواط، تفخیذ و مساحقه، جرم‌انگاری شده است و از ۱۰۰ ضربه شلاق تا اعدام برای آن مجازاتی حسب مورد تعیین شده است. (مواد ۲۳۳ - ۲۴۱ ق. م. ا.). در قوانین کشور الجزایر نیز همجنس‌گرایی از سال ۱۹۶۶ غیرقانونی اعلام شده است و برای ارتکاب چنین اعمالی در مواد ۳۳۸ و ۳۳۳ قانون مجازات این کشور حبس و جزای نقدی پیش‌بینی شده است. (Algeria Penal Code, 1966) در کشور مصر هم برای ارتکاب همجنس‌گرایی و مهیا نمودن شرایط ارتکاب، حبس و جزای نقدی مقرر شده است. (Carroll, Ramón Mendos, 2017, 85) لیبی نیز از کشورهایی است که همجنس‌گرایی در آن غیرقانونی است بر اساس ماده ۴۰۷ (۴) قانون مجازات (۱۹۵۳) مرتکبان اعمال جنسی نامتعارف همجنس‌گرایانه به حبس از ۵ تا ۱۵ سال محکوم می‌شوند. (Libyan Penal Code, 1953)

نظام حقوقی عربستان مبتنی بر فقه حنبلی به‌عنوان مذهب رسمی کشور است. بنابراین در خصوص مجازات‌های اسلامی شامل قصاص، حدود، دیات و تعزیرات در عربستان قانون مدونی وجود ندارد و قضات بایستی به بر مبنای مذهب حنبلی که مجازات لواط را مجازات مرگ می‌داند، حکم صادر نمایند. این مسأله در ماده ۱ قانون آئین دادرسی کیفری، ماده ۱ قانون دادگستری و ماده ۱ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های شرع تصریح گردیده است. (Law of Criminal Procedure, 2001; Law of Procedure before Sharia Courts, 2000)

قانون مجازات افغانستان نیز در مواد ۶۴۵ تا ۶۴۹ برای انواع روابط نامتعارف جنسی مجازات حبس را پیش‌بینی نموده است. (Afghanistan's Penal Code, 2017) قانون جزای گامبیا بر اساس مواد ۱۴۴، ۱۴۵ و ۱۴۷ بیان می‌کند که روابط همجنس‌گرایانه برای مردان و زنان غیرقانونی است و بین ۵ تا ۱۴ سال حبس دارد. در سال ۲۰۱۴ یک اصلاحیه برای بند a ماده ۱۴۴ توسط پارلمان تصویب شد که در آن جرم «همجنس‌گرایی تشدید شده» که مجازات آن حبس ابد است. (Gambia Criminal Code, 2014) در سیرالئون بخش ۶۱ قانون جرایم علیه شخص ۱۸۶۱، همجنس‌گرایی را با مجازات از ۱۰ سال تا حبس ابد<sup>۱</sup> جرم‌انگاری کرده است. (Sierra Leone, Offenses against the Person Act 1861) ماده ۲۳۰ قانون مجازات تونس نیز برای همجنس‌گرایی مردان و زنان ۳ سال حبس مقرر نموده است. (Tunisia Criminal Code, 1913)

## ۶. نتیجه‌گیری

در نگاه مبتنی بر ادیان ابراهیمی، گرایش‌های نامتعارف جنسی به لحاظ نامشروع بودن و بخصوص غیرطبیعی بودن آن، همواره مورد نهي قرار گرفته‌اند. این دیدگاه در مکتب اسلامی نیز هم‌راستا با آنچه همواره توسط ادیان الهی دنبال می‌شد، ادامه یافت. به‌طوری‌که در آیات متعدد قرآن کریم ارتکاب اعمال ناشی از گرایش‌های خلاف طبیعت و نامشروع جنسی تحت عنوان همجنس‌گرایی، به‌عنوان فاحشه و فسقی که نسل پاک انسانی را قطع می‌نماید، در نظر گرفته شد. بازگویی چندباره ماجرا در قرآن کریم نشان از اهمیت مباحث بیان‌شده در این آیات دارد. از آن جهت که این‌گونه رفتارها علاوه بر عدم مشروعیت، مخالف اصل زوجیت در خلقت<sup>۲</sup> نیز هست، بر اساس کلام ائمه اطهار در مراحل، از روابط نامشروع طبیعی نیز حرمت بیشتری داشته، هم‌ردیف کفر از آن یاد می‌شود. ارتکاب این اعمال که به شهادت قرآن کریم تا زمان قوم لوط بی‌سابقه بود، در عملکرد این قوم به گرایش همه‌گیر تبدیل شد و گناهکاران سعی بر این داشتند که سایرین را شبیه خود کنند و در صورت عدم موفقیت به مجازات آن‌ها پردازند. از این رو، باید تأکید شود که این میل و گرایش ناصحیح وقتی شکل می‌گیرد، عملکردی پیش‌رونده داشته و حدیقی برای خود قائل نیست. چنانچه قوم لوط نیز عملکردی تهاجمی داشته و می‌خواستند به جهت شدت انزجار لوط علیه‌السلام از گناهشان و طهارت وی، ایشان را مجازات نموده، از سرزمین خویش اخراج نمایند. علاوه بر این، بر اساس احادیثی که نقل گردید، یکی از عوارض طبیعی گرایش به همجنس این است که فرد طبیعت وجودی‌اش تغییر یافته و دارای شهوت زنانه می‌گردد و این امر در عملکرد همجنس‌گرایان چه در گذشته، چه امروز کاملاً مشهود است. چنانچه وقتی لوط علیه‌السلام، قومش را به

<sup>۱</sup> . life imprisonment.

۲ . «وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ...» (آیه ۴۹، ذاریات)

ازدواج با زنان فراخواند، ایشان اظهار بی میلی نسبت به جنس مخالف نمودند. این را می توان یکی از مجازاتی دانست که به طور طبیعی برای مرتکبین این اعمال حادث شده و از میل به حلال به میل به حرام کشیده می شوند و در قضایای مطروحه نیز ملاحظه می شود که بسیاری از هم جنس گرایان برای اثبات طبیعی بودن کار خلاف خود، به عدم میل به جنس مخالف استناد می نمایند.

نکته حائز اهمیت در این بین این است که ارزش های اخلاقی مبتنی بر دین، ثابت، واقعی و الزام آور هستند، لکن ارزش های اخلاقی مبتنی بر تفکر سکولار که از اومانیزم نشأت گرفته اند، سیال و قابل تغییر می باشند و نسبت به مزاج جامعه یا حتی نسبت به اراده سردمداران جوامع، متغیر خواهند بود. بر این اساس، امروزه با فاصله گیری ارزش های جوامعی که مبنای دینی ندارند از ارزش های تاریخی و سنتی دینی، ارزش های اخلاقی متکثر و جدیدی در این جوامع، نمود و بروز یافته است. به طوری که، برخلاف ارزش های سنتی همین جوامع در حوزه خانواده که مبتنی بود بر خانواده سنتی متشکل از زن و مرد، امروزه اشکال نامتناسب و نامتعارف خانواده که توسط ادیان در طول تاریخ تحت عنوان فحشا یاد می شد، در عملکرد ایشان حائز ارزش تلقی شده است و در حال حاضر شاهد این هستیم که رویه برخی مراجع بین المللی به سان قوم لوط در تأیید و شناسایی این اعمال و گرایش های نامتعارف، پیش رونده است. به این معنا که از شناسایی مشارکت های مدنی مبتنی بر هم جنس گرایی تا قبح شکنی این جرائم تاریخی و حذف مجازات هایی که در اغلب جوامع نسبت به این اعمال چه در عرف و چه در قانون وجود داشت، تا جعل نهاد مقدس ازدواج برای این امر نامشروع و خلاف خلقت؛ پافشاری بر منع تبعیض و اعطای حقوق برابر با خانواده به معنای همیشگی و تاریخی و صحیح آن، به خانواده جعلی ای که برای دو هم جنس به رسمیت شناخته اند و در نهایت نکته تأسف بار قبح شکنی بزرگی است که با تشویق یا اعمال فشار نسبت به جرم انگاری جرم نفرت از هم جنس گرایی توسط برخی از نهادهای بین المللی و خصوصاً دیوان اروپایی حقوق بشر به صورت سیستماتیک در حال انجام است به طوری که در قوانین موضوعه برخی از در کشورهای غربی با اندیشه سکولار نیز این امر انجام شده است.

نکته قابل تأمل و تأثر اینکه در حالی مراجع بین المللی حقوق بشر بر فراگیری دایره شمول برابری جنسیتی، نسبت به گرایش های جنسی نامتعارف اصرار دارند که در زمان تصویب اسناد و کنوانسیون های مورد اشاره، هم جنس گرایی در کشورهای مذاکره کننده نه تنها به عنوان یک امر قانونی پذیرفته نشده بود، بلکه در بسیاری از آن کشورها جرم محسوب می شد و به جرئت می توان مدعی شد که در زمان تصویب این متون و اسناد، اراده تصویب کنندگان بر توسعه شمول عبارت برابری جنسیتی نسبت به هم جنس گرایی نبوده است. از این رو، بر اساس قواعد ناظر به تفسیر معاهدات، این چنین تفسیری از «برابری جنسیتی» در معاهداتی چون میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، خلاف حقوق معاهدات می باشد. موارد صدرالذکر نمونه هایی از حمله بی حدومرز حامیان هم جنس گرایی به بنیان خانواده است.

در این بین، همچنان در سراسر جهان و حتی در قاره اروپا، کشورهای زیادی وجود دارند که خانواده را اتحادی متشکل از یک زن و یک مرد می دانند و گرایش های نامتعارف جنسی نسبت به هم جنس را تصدیق ننموده اند. فراتر از آن، در سطح جهانی کشورهای زیادی در قوانین داخلی خود برای ارتکاب اعمال مبتنی بر گرایش های نامتعارف جنسی، جرم انگاری داشته و مجازات متفاوتی را از حبس، شلاق و مجازات مرگ مقرر نموده اند. حتی لازم است یادآوری کنیم که بسیاری از کشورهایی که امروزه در قوانین شان نهاد ازدواج را برای هم جنس گرایان قانونمند نموده اند، در رویه تاریخی خود ارتکاب چنین اعمالی را مجازات می نمودند. به نظر می رسد سکولاریزه شدن و جدایی از مبانی دینی، در این کشورها منجر به تغییر مبانی اخلاقی شده است. چراکه همان طور که بیان شد، افول مذهبی با تغییر در دیدگاه های اخلاقی ارتباط مستقیم دارد.

بر اساس آنچه در طی این نوشتار ارائه شد، نکته حائز اهمیت این است که پیشروی حامیان هم جنس گرایی در سال های اخیر به شدت نگران کننده شده است. دیدگاه های این چنینی به دنبال ایجاد استانداردهای جدید و نامتعارف در حوزه خانواده، توانسته اند حقوق متکثری را برای هم جنس گرایان در جوامع مختلف فراهم نمایند. وقتی به این نگرانی افزوده می شود که عملکرد برخی مراجع بین المللی نیز با این نظرات هماهنگ شده و در پی اعمال فشار به کشورها جهت شناسایی این لغزش تاریخی است. در این بین، از قبح زدایی تا جرم زدایی و

۱. ماده ۱۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر

۲. دیوان اروپایی حقوق بشر مدعی اجماع اروپایی نسبت به هم جنس گرایی است.

قانونی کردن ازدواج و اعطای حقوق متنوع و متکثری به ایشان خصوصاً اعطای حق منع تبعیض به هم‌جنس‌گرایان، تا اجبار کشورها بر جرم‌انگاری جرم نفرت از هم‌جنس‌گرایی توسط حامیان هم‌جنس‌گرایی در برخی کشورها و سازمان‌های بین‌المللی، همه و همه نشانگر این مدعاست که این تفکر تا ویرانی مفهوم سنتی و مشروع خانواده پیش خواهد رفت و در آینده نزدیک شاهد اعمال فشارهای بیشتری از طریق سازمان‌های بین‌المللی مدافع حقوق بشر بر کشورهایی که خانواده به معنای همیشگی و تاریخی آن، نهاد بنیادین و اساسی جامعه است، خواهیم بود. این در حالی است که نزاع آتی بر سر مفهوم و مصداق خانواده برای کشورهایی که مبنای فکری‌شان مبتنی بر آموزه‌های اسلامی است، به‌هیچ‌وجه قابل تسامح و تساهل نخواهد بود؛ چراکه در مبانی دینی اسلامی تشکیل «خانواده» صرفاً از راه ازدواج قانونی و شرعی مابین «یک زن و یک مرد» متصور است. بر این اساس، به جهت اهمیت خانواده در اسلام، اعمال مبتنی بر گرایش‌های نامتعارف جنسی نسبت به هم‌جنس در بین مجازات‌های اسلامی از جمله شدیدترین مجازات‌های حدی می‌باشد. لذا اسلام نه تنها راهی برای پذیرش یا حتی تساهل نسبت به این نوع گرایش‌ها باقی نگذاشته است، بلکه سخت‌ترین کیفرها را نیز برای آن در نظر گرفته و تصریح می‌فرماید: *وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ*.

## ۷. تعارض منافع

در این مقاله، هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.

## References

1. Advisory Opinion OC-24/17 of November 24, 2017 - Requested by the Republic of Costa Rica, Gender identity, and equality and non-discrimination with regard to same-sex couples.
2. Afghanistan's Penal Code, 2017 came into force on 14 February 2018.
3. Alekseyev and Others v. Russia, ECHR, 06/05/2019, Applications nos. 4916/07, 25924/08 and 14599/09.
4. Al-Kulayni, M. (1407 AH). *Al-Kafi*. Edited by Ghafari. A.A and Akhundi, M. volume 5 & 7. Tehran: Islamic Bookstore. (In Arabic)
5. Al-Kulayni, M. (1429 AH). *Al-Kafi*. Volume 14 & 11, Qom: Dar al-Hadith. (In Arabic)
6. Algeria Penal Code, Ordinance 66-156 of 8 June 1966 Turkish Armed Forces Disciplinary Law No: 6413 dated January 2013, <https://www.resmigazete.gov.tr/eskiler/2013/02/20130216-1.htm>.
7. A.N. v. France, ECHR, Application no. 12956/15, 19 avril 2016.
8. Attarodi, S.H.A. (1384). *Masnad al-Imam al-Sadiq Abi Abdullah Jafar ibn Muhammad (AS)*, volume 16, Tehran: Atarod. (In Arabic)
9. Austria, Artificial Procreation Act (Fortpflanzungsmedizingesetz, Federal Law Gazette 275/1992).
10. Austria, Civil Code (excerpt) (Allgemeines bürgerliches Gesetzbuch (ABGB). Text No. 52,1811.
11. Austria, Registered Partnership Act (Text No. 135/2009).
12. Barqi, A. (1371 AH). *Al-Mahasin*. Edited by: Muhaddith, J. First volume. Qom: Dar Al-Kutub Al-Islamiyyah. (In Arabic)
13. B. and C. v. Switzerland, ECHR, 17/02/2021, Applications nos. 889/19 and 43987/16.
14. Beizaras and Levickas v. Lithuania, ECHR, 14/05/2020, Application no. 41288/15.
15. Beizaras and Levickas v. Lithuania, ECHR, Application no. 41288/15, 14/05/2020,
16. Buggery Act 1533, by Parliament during the reign of Henry VIII. (In German)
17. Carroll, A. & Ramón Mendos, L. (2017). *State Sponsored Homophobia 2017: A world survey of sexual orientation laws: criminalisation, protection and recognition*. ILGA.
18. Constitution of the Republic of Poland (1997), [https://en.wikisource.org/wiki/Constitution\\_of\\_the\\_Republic\\_of\\_Poland/Chapter\\_1](https://en.wikisource.org/wiki/Constitution_of_the_Republic_of_Poland/Chapter_1)
19. Constitution of Georgia, No 2071 of 23 March 2018.
20. Constitution of the Republic of Lithuania, Adopted by the citizens of the Republic of Lithuania in the Referendum of 25 October 1992, <https://www.lrs.lt/home/Konstitucija/Constitution.htm>.
21. Constitution of the Russian Federation, CDL-REF(2021)010, Strasbourg, 4 February 2021.
22. Constitution of Ukraine, 28 June 1996, <https://web.archive.org/web/20110521190059/http://www.rada.gov.ua/const/conengl.htm>.
23. Council of Europe. Guide on the case-law of the European Convention on Human Rights, Rights of LGBTI persons. 31 August 2022.
24. criminal code of the republic of Armenia.
25. European Commission against Racism and Intolerance (ECRI), Reports on Armenia, Fourth report on Armenia, adopted on 28 June 2016 / published on 4 October 2016, Council of Europe.
26. European Convention on the Adoption of Children.
27. Fadlallah, M.H. (1419 AH). *Inspired by the Qur'an*. Volume 7. Lebanon - Beirut: Dar Al-Malak. (In Arabic)
28. Faqihi, A.N. (1387). *Sexual education: principles, principles and methods from the perspective of the Qur'an and Hadith*. Qom: Dar al-Hadith Scientific and Cultural Institute, Publishing Organization. (In Persian)
29. Fedotova and Others v. Russia, ECHR, Applications nos. 40792/10, 30538/14 and 43439/14, 17 January 2023.
30. French Constitutional Council, Decision no. 2013-669 DC of 17 May 2013, Law providing for same-sex marriage.
31. Gambia Criminal Code (Amendment) Act, 2014.
32. Gambian Criminal Code, an amendment (144A) 2014.
33. Genderdoc-M and M.D. v. the Republic of Moldova, ECHR, Application no. 23914/15, 14 December 2021.

34. Gerber, P. & Timoshanko A. Is the UN Committee on the Rights of the Child Doing Enough to Protect the Rights of LGBT Children and Children with Same-Sex Parents?, *Human Rights Law Review*, 2021, 00, 1–51, <https://doi: 10.1093/hrlr/ngab012>.
35. German Act on Registered Life Partners, 2005.
36. Gesetz zur Einführung des Rechts auf Eheschließung für Personen gleichen Geschlechts [Same-Sex Marriage Law], July 20, 2017, BGB L. I at 2878.
37. Grau, Günter (2011). *Dictionary of the persecution of homosexuals 1933 – 1945*. LIT, Berlin 2011. (In German)
38. Grosclaude, J. (2016). *From Bugger to Homosexual: The English sodomite as criminally deviant (1533-1967)*.
39. Halman, L. & van Ingen, E. (2015). Secularization and Changing Moral Views: European Trends in Church Attendance and Views on Homosexuality, Divorce, Abortion, and Euthanasia, *European Sociological Review*, Volume 31, Issue 5. <https://doi.org/10.1093/esr/jcv064>.
40. Hamzic, V. (2011). The Case of 'Queer Muslims': Sexual Orientation and Gender Identity in International Human Rights Law and Muslim Legal and Social Ethos. *Human Rights Law Review*. 11(2), Oxford University Press.
41. Human Rights Committee, Communication no. 1558/2007 : *views adopted by the Committee at its 105th session*, 9-27 July 2012.
42. Hungary - Act LXXIX of 2021 on taking more severe action against paedophile offenders and amending certain Acts for the protection of children, CDL-REF(2021)088-e.
43. Hussain, I. (2011). *Secular reforms in the Ottoman Empire: A brief look at the adoption of Secular Laws in the Ottoman Empire with a particular focus on the Tanzimat reforms (1839-1876)*. Faith Matters.
44. Ibn Babawayh, M. (1413 AH). *Man la yahduruh al-faqih*. Volume 4. Edited by: Ghafari, A.A. Qom: Islamic publishing office affiliated with the teachers' community of the seminary of Qom. (In Arabic)
45. Ibn Babawayh, M. (1966), *Illal al-Shara'i*. Volume 2, Qom: Davari, First Chapter. (In Arabic)
46. Ibn Ash'ath, M. (nd). *Al-Jaafariyyat (Al-Asha'siyat)*, Tehran: Maktabat al-Niyawaa al-Haditha. (In Arabic)
47. Ibn Shahr Ashub Mazandarani, M. (1379 AH). *Manaqib Ale Abi Talib*. Qom: Allamah. (In Arabic)
48. I.K. v. Switzerland, ECHR, Application no. 21417/17, 18 January 2018.
49. Institution representing Supreme Leader in Lorestan University of Medical Sciences. (2018). *Ethics and rules of doctors, nurses and patients*, Khorramabad: published by Lorestan University of Medical Sciences. (In Persian)
50. Johnson, P. (2011). Homosexuality, Freedom of Assembly and the Margin of Appreciation Doctrine of the European Court of Human Rights: *Alekseyev v. Russia*. *Human Rights Law Review*. 11(3). Oxford University Press. <https://doi:10.1093/hrlr/ngr020>.
51. Kim, C. (1973). Law of Marriage and Divorce in North Korea. *International Lawyer*, Volume 7, Number 4.
52. Kozak v. Poland, ECHR, 02/06/2010, Application no. 13102/02.
53. Law of Criminal Procedure - Saudi Arabia, Royal Decree No. (M/39), 28 Rajab 1422 - 16 October 2001.
54. Law of Procedure before Sharia Courts - Saudi Arabia, Royal Decree No. M/21, 20 Jumada I, 1421 [19 August 2000].
55. Libyan Penal Code of 1953, Amended 1956 (selected provisions related to women)– 4: Title III – Offences Against Freedom, Honour and Morals.
56. 77. Law on approval, entry into force and implementation of the Civil Code of the Republic of Lithuania. Civil Code, Date of adoption: 2000-07-18 Valid summary version: 2023-05-01. (Lithuanian). [http://www.lrs.lt/pls/inter2/dokpaieska.showdoc\\_l?p\\_id=107687](http://www.lrs.lt/pls/inter2/dokpaieska.showdoc_l?p_id=107687)
57. Lilliendahl v. Iceland, application no. 29297/18, The European Court of Human Rights, 12 May 2020.
58. Lilliendahl v. Iceland, ECHR, Application no. 29297/18, 12 May 2020.
59. Makarem Shirazi, N. (1371). *Example interpretation*. Volume 15&18, Tehran: Islamic Books. (In Persian)
60. Mughniyeh, M.J. (1424 AH). *Al-Tafsir al-Kashif*. Qom: Dar al-Kitab al-Islami. (In Arabic)
61. Netherlands, Equal Treatment Act, Adopted on: 1994-03-02, ISBN: NLD-1994-L-68986.

62. Nouri, H. (1408 AH). *Mustadrak Al-wasayil Va Mustanbit Al-Masayil*. Volume 14. Qom: Al-Albayt Foundation. (In Arabic)
63. Nozawa, J. (2013). Drawing the Line: Same-sex adoption and the jurisprudence of the ECtHR on the application of the “European consensus” standard under Article 14. *Merkourios - Gender in European and International Law*, Volume 29, Issue 77, Igitur Publishing, pp. 66-75.
64. Oganezova v. Armenia , ECHR, Applications nos. 71367/12 and 72961/12, 17/08/2022.
65. Patton-Imani, S. (2020). *Queering Family Trees: Race, Reproductive Justice, and Lesbian Motherhood*. NYU Press.
66. Qaraati, M. (1388). *Tafsir Noor*. Volume 6 &9. Tehran: Lessons from Quran Cultural Center. (In Persian)
67. Rezaei Esfahani, M.A. (2001). *A research on the scientific miracles of the Qur'an*, volume 2, 3rd edition, Qom: Kitab Mobin. (In Persian)
68. Response to SOGI Human Rights Statement, read by Syria – 18 Dec 2008.
69. Sharif, A. (2001). *Ilm Al-tib Al-Qurani*, Beirut: Dar Al-Ilm Lilmalayin. (In Arabic)
70. Soccol, A. (2018). *A Step Closer to Equality: LGBTQ+ Rights in the Inter-American Court of Human Rights*. University of Oxford. <https://ohrh.law.ox.ac.uk/a-step-closer-to-equality-lgbtq-rights-in-the-inter-american-court-of-human-rights/>.
71. Sierra Leone (case C-199/12), under section 61 of the Offences against the Person Act 1861.
72. StGB: Criminal Code for the German Reich of May 15, 1871. (In German)
73. Tabari, M. (1412 AH). *Jami' al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an (Tafsir al-Tabari)*. Volume 19. Lebanon - Beirut: Dar Al-Maarifa. (In Arabic)
74. TBC Bank group PLC, Georgia country report 2021, bne IntelliNews, p.11.
75. The Islamic Penal Code of the Islamic Republic of Iran, approved in 2012. (In Persian)
76. Toonen v. Australia, Communication No. 488/1992, U.N. Doc CCPR/C/50/D/488/1992 (1994).
77. Tunisia Criminal Code, 1913 (as of February 2015)
78. UK Public General Acts, Offences Against the Person Act 1861, <https://www.legislation.gov.uk/ukpga/Vict/24-25/100/section/61/enacted> .
79. Valdís Fjölnisdóttir and Others v Iceland, ECHR, Application no. 71552/17, 18 May 2021.
80. Vicky Hernández et al. v. Honduras, IACtHR, Judgment of 26 March 2021.